اطلاعات روز

چهارشنبه | ۲۶ سنبله ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۱۹۸۳

www.etilaatroz.com

Wednesday | 16 September 2020 | Year 09 | Print 1983

ناتو:

طالبان باید خشونت‌ها را برای فراهم‌شدن زمینه‌ی حل سیاسی منازعه کاهش دهند

۲

سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی:

طالبان روابط خود را با سایر گروه‌های تروریستی قطع نکرده‌اند

اطلاعات روز: احمدضیا سراج، سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی می‌گوید که گروه طالبان هنوز روابط خود را با هیچ گروه تروریستی دیگر قطع نکرده است. آقای سراج که دیروز (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) در نشست عمومی مجلس سنای کشور صحبت می‌کرد،...

صفحه۲

۶ ناوالنی، منتقد پوتین:
پس از درمان به روسیه بازمی‌گردم
اطلاعات روز: الکسی ناوالنی، منتقد برجسته دولت ولادیمیر پوتین...

۶ پولیس پاناما یک گورجمعی دیگر مرتبط با «آیین‌های جن‌گیری» یک فرقه مذهبی پیدا کرد

۷ لیورپول رقم فروش مهاجم بلجیمی خود را اعلام کرد

۷ پس از یووه فقط می‌توان برای بارسا بازی کرد
مسی بی‌نظیر است؛ گلم به رئال را فراموش نمی‌کنم
میرالم پیانیچ از اینکه در بارسا هم تیمی لیونل مسی شده در پوست...

اعتراض در بلخ به بهای بلند برق؛

شرکت برشنا: کار روی تعرفه واحد جریان دارد

اطلاعات روز: شماری از شهروندان شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ در اعتراض به بهای بلند برق در این ولایت تظاهرات کرده و خواهان...

صفحه ۲

افغانستان عضویت «کمیسیون مقام زن سازمان ملل» را به‌دست آورد

صفحه ۲

کودکی که تمام اعضای خانواده‌اش را در سیلاب از دست داده، پایش نیز قطع خواهد شد؟

صفحه ۵

یادداشت‌روز

فرصت‌شنیدن صدای قربانیان جنگ

گفت‌وگوهای صلح افغانستان و طالبان در قطر وارد پنجمین روز خود شده است. مذاکراتی که قرار است به چهل سال جنگ افغانستان پایان دهد. در موازات گفت‌وگوهای صلح هر قشری در افغانستان نگرانی‌های خود را دارند. زنان، فعالان مدنی، رسانه‌های آزاد، اقلیت‌های قومی و مذهبی و نیروهای سیاسی می‌خواهند به طریقی منافع، دست‌آوردها و پیشرفت‌های ۱۹ سال گذشته را حفظ کنند. در این میان اما مطالبه‌ی قربانیان جنگ متفاوت است. قربانیان جنگ به دنبال عدالت‌اند. از این‌رو، صلح بدون عدالت مفهومی ندارد و در مذاکرات باید در مورد چگونگی رسیدگی خواست قربانیان و تأمین عدالت بحث و سازوکار عدالت سنجیده شود.

۱۰ سال قبل که دوباره جنگ در افغانستان شدت گرفت، براساس گزارش‌های رسمی از آن زمان تا کنون بیش از ۱۰۰ هزار غیر نظامی در افغانستان قربانی جنگ شده‌اند. گروه طالبان در طول سال‌های که مشغول جنگ در افغانستان بود، بارها مرتکب جنایت جنگی شدند. در اغلب رویدادهای مرگبار قربانیان اصلی غیرنظامیان بوده‌اند...

۲

ترجمه

موفقیت مذاکرات صلح به ایستادگی امریکا با افغانستان بستگی دارد

پس از شش ماه تأخیر، مذاکرات صلح افغانستان این هفته در دوحه در حالی آغاز شد که خشونت در...

صفحه۳

گزارش

کارزار کوچه‌به‌کوچه؛

چگونه صدها خانواده‌ی فقیر «سورپرایز» شدند؟

بحران جهانی ویروس کرونا همزمان با روزهای آغازین بهارِ امسال به افغانستان رسید؛ بحرانی که برای دیگر کشورهای جهان یک «پاندمی» تعریف شد، ولی برای مردم افغانستان مثل هجوم ناگهانی «کلاغ‌های سیاه گرسنگی» بود که کوچه‌به‌کوچه بر کُنگره‌ی خانه‌ها نشسته با صدای غم‌انگیزی آواز فقر و فاجعه می‌خواند. در پاسخ به همین آواز بود که در کابل کارزاری شکل گرفت زیر نام «کوچه‌به‌کوچه»...

صفحه۴

گزارش

ضعف پارلمان یا استفاده‌جویی حکومت؛

چرا نامزدوزیران به مجلس معرفی نمی‌شوند؟

بیش‌تر از شش ماه از مراسم تحلیف رییس‌جمهور غنی و چهار ماه از امضای توافق‌نامه سیاسی میان عبدالله عبدالله و اشرف غنی می‌گذرد، اما تاکنون نامزدوزیران برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی نشده و معلوم نیست که حکومت چه زمانی نامزدوزیران را به مجلس معرفی می‌کند. بیش‌تر وزارت‌ها سال‌ها در حکومت وحدت ملی توسط سرپرستان اداره شد که این فرهنگ تاکنون ادامه دارد و اعضای مجلس نمایندگان از ادامه رهبری ادارات توسط سرپرستان به‌شدت انتقاد می‌کنند.

اخیرا حکومت ۱۰ نامزدوزیر و سرپرست جدید معرفی کرد و ۱۴ نامزدوزیر و نامزد رییس را در جریان چند ماه قبل معرفی کرده بود. در حال حاضر تنها نامزدوزیر...

۳

ادامه‌یادداشت‌روز

در کارنامه طالبان کشتار دسته‌جمعی، خون‌ریزی، اعدام و سرکوب به وفور یافت می‌شود. شهرهای افغانستان از هرات تا کابل، از جلال‌آباد تا بغلان و از مزارشریف تا قندهار، هزاران حمله‌ی انتحاری، موتربمب، حمله‌ی مسلحانه و بمب‌گذاری را به یادگار دارد.

در روند صلحی که کلید خورده، قربانیان جنگ نقش ندارند. از میان پنج هزار زندانیان طالبان، شمار زیاد آنان کسانی‌اند که از میدان جنگ گرفتار شده و یا حملات پیچیده و خطرناک را راه‌اندازی کرده بودند. به‌طور مشخص ۴۰۰ زندانی آزادشده‌ی طالب در آخرین مرحله، کسانی‌اند که مرتکب جنایت جنگی شده‌اند و بر علیه‌شان ادعای حق‌العبدی وجود دارد. وقتی این افراد آزاد شدند، کسی نظر قربانیان جنگ در افغانستان را نپرسید. با مسأله آزادی زندانیان کاملا برخورد سیاسی شد. از طرف دیگر، گذشته افغانستان نشان داده است که در تحولات سیاسی هیچ‌گاهی صدای قربانیان جنگ شنیده نشده و با عدالت نیز برخورد سیاسی شده است. همان‌طور که پس از شکست رژیم طالبان، مردم افغانستان در جایگاهی نبودند که نسبت به جنایت‌های جناح‌های مجاهدین در جنگ‌های بدنام و خونین داخلی تصمیم بگیرند. پس از آن نیز پرونده برنامه عدالت انتقالی که در سال ۲۰۰۵ میلادی در افغانستان اعلام شد و هدف آن بررسی جنایات جنگی در سه دهه گذشته بود، در طول دو دهه‌ی گذشته همچنان بسته مانده؛ تا جایی که کمیسیون مستقل حقوق بشر گزارش موارد نقض حقوق بشر در سه دهه گذشته را که مستندسازی کرده بود، نتوانست منتشر کند.

مشکل بزرگ‌تر این است که طالبان از پیامد خونین سال‌ها جنگ و خشونت در افغانستان شانه خالی می‌کنند. کارنامه طالبان چه در دوران حاکمیت چهار ساله‌ی این گروه و یا در سال‌های که به‌عنوان گروه تروریستی علیه حکومت افغانستان مصروف جنگ بود سیاه است. کشتار جمعی مردم در زمان حاکمیت این گروه بستن مکاتب، ویران‌کردن تأسیسات عمومی، باج‌گیری از مردم به بهانه‌ی تأمین منابع مالی جهاد، راهزنی، سنگسار زنان، کشتار و شکنجه‌ی مخالفان فشرده‌ی بسیار کوچک از کارنامه‌ی طالبان است. با همه این‌ها اکنون طالبان خود را طلب‌کار می‌دانند. ملا عبدالله آخندزاده، رهبر گروه طالبان به مناسبت امضاشدن توافق صلح ایالات متحده و طالبان، در پیامی خطاب به مخالفان گروه تحت رهبری‌اش گفته است که طالبان، مخالفان خود را مورد عفو قرار می‌دهد. این رویکرد طالبان این معنا را می‌دهد که قاتل می‌خواهد قربانی را ببخشد.

هرچه که مذاکرات صلح پیش‌تر می‌رود، نگرانی قربانیان جنگ در افغانستان بیش‌تر می‌شود. تا کنون بارها قربانیان جنگ در افغانستان نگرانی خود را بازگو کرده‌اند. اما در عمل هنوز این صداها شنیده نشده است. از میان هیأت ۲۱ نفری صلح افغانستان هیچ کسی به‌طور مشخص از قربانیان جنگ نمایندگی نمی‌کند. میکانیزم گزینش هیأت اولویت‌دادن به احزاب، حکومت و شخصیت‌های مطرح سیاسی بوده است. بنابراین، نگرانی خانواده‌های قربانیان جنگ جدی و به‌جا است، زیرا برای مردم افغانستان، بسیار دشوار است که این حجم از جرم و جنایت طالبان را ببخشند و نادیده بگیرند. از طرف دیگر، شواهد نشان می‌دهد که باز هم عدالت می‌تواند در یک روند سیاسی گم شود. گذشته از این، صلح پایدار در افغانستان نیازمند اجرای عدالت و توجه به خواست قربانیان جنگ است. دیدگاه خانواده‌های قربانی جنگ باید در مذاکرات بازتاب یابد و حقوق قربانیان در همه ابعاد آن مورد توجه قرار گیرد و در توافقات نهایی نیز برجسته شود.

انفجاری در شهر جلال‌آباد ننگرهار یک کشته و سه زخمی بر جای گذاشت

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که در نتیجه‌ی انفجار یک حلقه ماین در مربوطات شهر جلال‌آباد، مرکز این ولایت، یک سرباز امنیت ملی کشته و سه نفر دیگر زخمی شده‌اند.

عطاالله خوگیانی، سخن‌گوی والی ننگرهار می‌گوید که یک حلقه ماین جاسازی شده در یک گلدان حوالی ساعت ۹:۴۵ دقیقه‌ی صبح دیروز (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) در ساحه‌ی انگورباغ ناحیه‌ی دوم شهر جلال‌آباد منفجر شده است. آقای خوگیانی همچنان می‌افزاید که در این رویداد یک عراده موتر رنجر نیروهای امنیت ملی هدف قرار گرفته است.

فرد یا گروهی تا کنون مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است.

ولایت نانمن ننگرهار در شرق کشور موقعیت دارد. در این ولایت که با پاکستان نیز مرز مشترک دارد، جنگ‌جویان گروه طالبان و چندین گروه تروریستی دیگر فعالیت دارند.

شمار مریضان فعال «کووید۱۹» در افغانستان به حدود پنج‌هزار نفر کاهش یافته است

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور اعلام کرد که در بیست‌وچهار ساعت گذشته، ۲۳۲ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا در لابراتوارهای این وزارت تست شده که نتایج آزمایش ۴۳ مورد آن مثبت تشخیص شده است.

این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، بلخ، بدخشان، جوزجان و ارزگان به ثبت رسیده است. به این ترتیب، شمار مبتلایان به ویروس کرونا در کشور به ۳۸ هزار و ۸۱۵ نفر افزایش یافته است.

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته، ۲۵ فرد مبتلا به کرونا بهبود یافته‌اند و شمار بهبودیافتگان به ۳۲ هزار و ۹۸ نفر رسیده است.

همچنان در بیست‌وچهار ساعت گذشته، یک مریض «کووید۱۹» جان داده است. شمار فوتی‌های ناشی از مریضی «کووید۱۹» در کشور به یک‌هزار و ۴۲۶ نفر رسیده است.

ناتو:

طالبان باید خشونت‌ها را برای فراهم‌شدن زمینه‌ی حل سیاسی منازعه کاهش دهند

اطلاعات روز: ستیفانو پونتیکورو، نماینده‌ی غیرنظامی ناتو در افغانستان می‌گوید که گروه طالبان باید خشونت‌ها را به منظور فراهم‌شدن زمینه برای حل سیاسی منازعه، کاهش دهد.

نمایندگی ناتو در افغانستان دیروز (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) در توییتی گفته است که آقای پونتیکورو این گفته‌ها را در دیداری با امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور مطرح کرده است.

دو طرف در این دیدار سطح خشونت در افغانستان توسط گروه طالبان را غیرقابل‌قبول خوانده‌اند.

نماینده‌ی غیرنظامی ناتو در افغانستان درحالی از طالبان خواسته است که سطح خشونت‌ها را کاهش دهند که سه روز پیش (شنبه، ۲۲ سنبله) مذاکرات بین‌الافغانی صلح پس از ماه‌ها کش‌وقوس‌ها در شهر دوحه، پایتخت با سخنرانی‌های عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، مایک پمپئو، وزیر خارجه‌ی امریکا و ملا عبدالغنی برادر، رییس دفتر سیاسی طالبان در قطر افتتاح شد.

در این نشست نمایندگی از ۱۳ کشور جهان و همچنان دبیران کل سازمان ملل متحد، سازمان همکاری‌های اسلامی و ناتو و مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا نیز صحبت کردند.

آنان در این نشست، افتتاحیه‌ی مذاکرات بین‌الافغانی را یک فرصت تاریخی خوانده و خواهان توقف فوری خشونت و اعلام آتش‌بس از سوی دولت افغانستان و گروه طالبان شدند.

سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی:

طالبان روابط خود را با سایر گروه‌های تروریستی قطع نکرده‌اند

اطلاعات روز: احمدضیا سراج، سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی می‌گوید که گروه طالبان هنوز روابط خود را با هیچ گروه تروریستی دیگر قطع نکرده است.

آقای سراج که دیروز (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) در نشست عمومی مجلس سنای کشور صحبت می‌کرد، گفت که براساس معلومات و شواهد ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان، گروه طالبان «کمافی‌السابق» با سایر گروه‌های تروریستی روابط دارد.

او در ادامه با اشاره به برگشت جنگ‌جویان آزادشده‌ی این گروه از زندان‌های دولتی افزود که تعدادی از این جنگ‌جویان دوباره به میدان جنگ برگشته‌اند و در مقابل نیروهای امنیتی و دفاعی افغان می‌جنگند.

از سویی هم، سرپرست ریاست عمومی امنیت افغانستان در مورد روابط گروه طالبان با سایر گروه‌های تروریستی درحالی است که براساس توافق‌نامه‌ی صلح امریکا و گروه طالبان که در دهم حوت سال گذشته به امضا رسید، این گروه باید روابط خود را با شبکه‌ی القاعده قطع کرده و با گروه داعش نیز مبارزه کند.

پیش از این نیز ادعاهایی در مورد حفظ روابط این گروه با سایر گروه‌های تروریستی از جمله القاعده مطرح شده است. طالبان اما همواره این ادعاها را رد کرده‌اند.

می‌زنند. او اما تأکید کرد که تلاش‌ها برای از بین بردن آن‌ها نیز جریان دارد.

اظهارات رییس ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان در مورد روابط گروه طالبان با سایر گروه‌های تروریستی درحالی است که براساس توافق‌نامه‌ی صلح امریکا و گروه طالبان که در دهم حوت سال گذشته به امضا رسید، این گروه باید روابط خود را با شبکه‌ی القاعده قطع کرده و با گروه داعش نیز مبارزه کند.

این گروه با سایر گروه‌های تروریستی از جمله القاعده مطرح شده است. طالبان اما همواره این ادعاها را رد کرده‌اند.

اعتراض در بلخ به بهای بلند برق؛

شرکت برشنا: کار روی تعرفه واحد جریان دارد

اطلاعات روز: شماری از شهروندان شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ در اعتراض به بهای بلند برق در این ولایت تظاهرات کرده و خواهان «رفع تبعیض آشکار» در توزیع برق شدند. معترضان می‌گویند که بهای برق در بلخ بیشتر از دیگر ولایات است و آنان «برق بدون فرق» می‌خواهند.

در قطع‌نامه‌ی پنج ماده‌ای این معترضان که پس از تجمع اعتراضی دیروز (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) منتشر شده، آمده است که حکومت باید هرچه زودتر به خواست آنان پاسخ روشن و قاطع داده و بهای برق در بلخ را به‌طور قابل ملاحظه کاهش دهد.

در ماده‌ی چهارم این قطع‌نامه آمده است: «در صورت موجودیت معضل در کاهش بهای کنونی برق، سیستم کنگوری کابل را با پرداخت ماهوار صرفه‌ی برق در بلخ تطبیق کنند.»

معترضان همچنان هشدار داده‌اند که در صورت تأخیر و تعلل بیشتر در این زمینه از سوی مسئولان شرکت مرکزی و محلی برشنا، آنان از گزینه‌های دیگری برای تشدید کارزارهای مدنی‌شان استفاده خواهند کرد.

آنان همچنان هشدار داده‌اند که در صورت تعلل، ممکن است با برپای خیمه‌های تحصن، درب شرکت برشنا را در بلخ مسدود و تصفیه‌ی بل صرفه‌ی برق را نیز تحریم کنند.

در بخشی از قطع‌نامه آمده است: «این احتمال نیز وجود دارد که در صورت تداوم و تشدید حرکت‌ها مدیریت داده‌خواهی، راه‌پیمایی و اعتراض‌ها از دست ما بیرون شود و مردم خود بروند و سویچ امتداد برق به کابل را در ایستگاه برق ۲۲۰ کیلوولت پایین کنند یا هم راه مزار کابل را ببندند که در آن صورت کوتاهی و قصور به دوش مسؤولان برق بلخ و مرکز، حکومت محلی بلخ و شورای ولایتی بلخ خواهد بود.»

برق وارداتی ازبیکستان از مسیر بلخ گذشته و به شماری از ولایت‌های دیگر از جمله کابل رسیده است. به گفته‌ی معترضان در بلخ، بهای یک کیلووات برق در این ولایت ۶.۳۵ افغانی است اما در کابل ۲.۲۵ افغانی.

در همین حال، وحیدالله توحیدی، سخن‌گوی شرکت برشنا در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که این شرکت در حال حاضر روی یک تعرفه واحد کار می‌کند تا بهای برق در تمام ولایات یکسان شود.

آقای توحیدی همچنان گفت که طرح تعرفه واحد به بورد شرکت برشنا فرستاده شده و پس از تأیید بورد و پارلمان کشور، اعلام می‌شود.

توحیدی افزود که در حال حاضر ولایت‌های لوگر، پکتیا، خوست، غزنی، بادغیس، سمنگان و فاریاب نیز عین قیمتی را می‌پردازند که مردم بلخ در بدل برق می‌پردازند.

سخن‌گوی شرکت برشنا دلیل بلند بودن قیمت برق در ولایت بلخ و دیگر ولایات یادشده را «برق بیشتر و مطمیین» خواند. او گفت که بیش از ۶۰ درصد مشترکین شرکت برشنا در کابل اند و به همین دلیل در این ولایت برق براساس کنگوری توزیع شده تا مردم به مصرف کم برق تشویق شوند.

افغانستان عضویت «کمیسیون مقام زن سازمان ملل» را به‌دست آورد

اطلاعات روز: نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد اعلام کرد که افغانستان نخستین‌بار عضویت کمیسیون مقام زن این سازمان را برای یک دوره‌ی چهارساله به دست آورده است. این کمیسیون مسئولیت بررسی وضعیت زنان را بر عهده دارد.

نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل دیروز (سه‌شنبه، ۲۵ سنبله) در رشته‌توییتی گفته است که این عضویت در نتیجه‌ی انتخابات اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به دست آمده است.

این نمایندگی همچنان نوشته است: «از زمان عضویت افغانستان در سازمان ملل متحد این اولین بار است که افغانستان عضویت این کمیسیون مهم را به‌دست می‌آورد.»

افغانستان برای یک دوره‌ی چهار ساله (۲۰۲۱ – ۲۰۲۵) عضویت کمیسیون مقام زن سازمان ملل را خواهد داشت. در کنار افغانستان، هند نیز به تازگی عضویت این کمیسیون را به‌دست آورده است.

نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل در ادامه از اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان به‌خاطر رأی‌دادن به افغانستان و تصدیق توانایی زنان افغان در بازسازی این کشور قدردانی کرده است.

این نمایندگی همچنان گفته است که این تجربه (عضویت افغانستان در کمیسیون مقام زن سازمان ملل) می‌تواند به ارزش فعالیت‌های سازمان ملل در راستای مبارزه برای عدالت و برابری بیفزاید.

طبق معلومات نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل، کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد یکی از کمیسیون‌های فعال شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان است.

این کمیسیون همچنان در سطح بین‌المللی یک نهاد اصلی بین‌الحکومتی است که به‌طور خاص به‌خاطر مساوات جندر و رشد توانمندی زنان فعالیت می‌کند.

۴۵ کشور عضو سازمان ملل متحد که از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان تعیین می‌شوند، عضویت این کمیسیون را دارند.

عصمت‌الله سروش
گزارشگر

ضعف پارلمان یا استفاده‌جویی حکومت؛

چرا نامزدوزیران به مجلس معرفی نمی‌شوند؟

بیش‌تر از شش ماه از مراسم تحلیف رییس‌جمهور غنی و چهار ماه از امضای توافق‌نامه سیاسی میان عبدالله عبدالله و اشرف غنی می‌گذرد، اما تاکنون نامزدوزیران برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی نشده و معلوم نیست که حکومت چه زمانی نامزدوزیران را به مجلس معرفی می‌کند. بیش‌تر وزارت‌ها سال‌ها در حکومت وحدت ملی توسط سرپرستان اداره شد که این فرهنگ تاکنون ادامه دارد و اعضای مجلس نمایندگان از ادامه رهبری ادارات توسط سرپرستان به‌شدت انتقاد می‌کنند.

اخیرا حکومت ۱۰ نامزدوزیر و سرپرست جدید معرفی کرد و ۱۴ نامزدوزیر و نامزد رییس را در جریان چند ماه قبل معرفی کرده بود. در حال حاضر تنها نامزدوزیر وزارت فواید عامه مشخص نشده است. ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان می‌گوید که با معرفی‌شدن نامزدوزیر فواید عامه، تمامی نامزدوزیران برای اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. وزارت دولت در امور پارلمانی می‌گوید که تاکنون اسناد ۱۴ نامزدوزیر و نامزد ریاست بانک مرکزی به این وزارت دولت رسیده و بررسی اسناد آن‌ها جریان دارد. ذکرالله فرزای، سخن‌گوی این وزارت در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید که بعد از دریافت و بررسی اسناد نامزدوزیران باقی‌مانده، وزارت دولت در امور پارلمانی اسناد آنان را به مجلس نمایندگان می‌فرستد. آقای فرزای احتمال می‌دهد که تمامی نامزدوزیران یکجایی به مجلس نمایندگان معرفی شوند.

اعضای مجلس نمایندگان می‌گویند هرچند مجلس بارها خواستار معرفی نامزدوزیران جهت اخذ رأی اعتماد شده است، اما تاکنون در مجلس صحبت از معرفی نامزدوزیران نیست و معلوم نیست که چه زمانی نامزدوزیران برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند.

این نمایندگان و دیدبان شفافیت افغانستان می‌گویند که ادامه فرهنگ سرپرستی از حکومت وحدت ملی تاکنون به حکومت‌داری، ارائه خدمات و روند نظارت از قوه اجراییه به‌شدت آسیب زده و در طرف دیگر باعث افزایش قانون‌شکنی و گسترش فساد مالی و اداری شده است.

نامزدوزیران کی‌هایند؟

۱۲ نامزدوزیر، نامزد ریاست بانک مرکزی و نامزد ریاست عمومی امنیت ملی که در جریان چهار ماه گذشته از طرف ارگ معرفی شدند، این‌هایند: عبدالهادی ارغندیوال، سرپرست و نامزدوزیر وزارت مالیه؛ حنیف اتمر، نامزدوزیر و سرپرست وزارت خارجه؛ اسدالله خالد، نامزدوزیر وزارت دفاع ملی؛ مسعود اندرابی نامزدوزیر وزارت امور داخله؛ احمد ضیا سراج، نامزد ریاست عمومی امنیت ملی؛ رنگینه حمیدی، سرپرست و نامزدوزیر معارف؛ هارون چخانسوری، سرپرست و نامزدوزیر معادن و پترولیم؛ محمود کرزی، نامزدوزیر و سرپرست شهرسازی و اراضی؛ محمدجواد عثمانی، نامزدوزیر و سرپرست صحت عامه؛ طاهر زهیر، نامزدوزیر و سرپرست اطلاعات و فرهنگ؛ حسنیه صافی، نامزدوزیر و سرپرست امور زنان؛ محمدقاسم حلیمی، نامزدوزیر و سرپرست حج و اوقاف؛ مجیب‌الرحمن کریمی، نامزدوزیر احیا و انکشاف دهات و اجمل احمدی، نامزد ریاست بانک مرکزی.

در روزهای اخیر ۱۰ نامزدوزیر جدید مشخص شد که از طرف سپیدار و تیم آقای عبدالله معرفی شده‌است: فضل احمد معنوی، نامزدوزیر و سرپرست وزارت عدلیه؛ قدرت‌الله ذکی، نامزدوزیر و سرپرست وزارت ترانسپورت؛ محب‌الله صمیم، نامزدوزیر و سرپرست وزارت امور سرحدات و قبایل؛ بشیراحمد ته‌ینج، نامزدوزیر و سرپرست وزارت کار و امور اجتماعی؛ نور رحمان اخلاقی، نامزدوزیر و سرپرست وزارت مهاجرین و عودت کنندگان؛ انوارالحق احدی، نامزدوزیر و سرپرست وزارت زراعت؛ ابیاری و مالداری؛ معصومه خاوری، نامزدوزیر و سرپرست وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی؛ عباس بصیر، نامزدوزیر و سرپرست وزارت تحصیلات عالی؛ نثار احمد غوریانی، نامزدوزیر و سرپرست وزارت صنعت و تجارت و کریمه حامد فریابی نامزدوزیر و سرپرست وزارت اقتصاد.

چرا نامزدوزیران به مجلس معرفی نمی‌شود؟

هرچند جنجال‌های سیاسی بر سر تقسیم قدرت میان ارگ و سپیدار مدت‌ها معرفی نامزدوزیران را به تأخیر انداخت، اما آگاهان می‌گویند که سوءاستفاده حکومت از ادامه فرهنگ سرپرستی و ضعف پارلمان نیز باعث شده که حکومت تمایل به معرفی نامزدوزیران برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نداشته باشد.

محمدرحیم علی‌یار، عضو مجلس نمایندگان در صحت با اطلاعات روز می‌گوید که حکومت به‌دلیل این که بتواند بیش‌تر به کارهای غیرقانونی و فراقانونی خود ادامه دهد و صلاحیت نظارتی شورای ملی را مصادره کند، نامزدوزیران را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی نمی‌کند. آقای علی‌یار می‌افزاید یکی از دلایل این می‌تواند باشد که بیش‌تر نامزدوزیران مورد حمایت حکومت ممکن است از سوی پارلمان رأی اعتماد نگیرند و حکومت می‌خواهد با سرپرستان به کار ادامه دهد.

به گفته‌ی این عضو مجلس، اکثر سرپرستان به‌دلیل این که رأی اعتماد از مجلس نگرفته‌اند، به شورای ملی پاسخ‌گو نیستند، اما زمانی‌که از سوی مجلس رأی اعتماد می‌گیرند، مجبورند که متعهد به پاسخ‌گویی باشند، چون اگر مرتکب عملکرد فراقانونی باشند، استیضاح و صلب صلاحیت می‌شوند: «به همین دلایل رییس‌جمهور خواسته که حکومت را از مجرای غیرقانونی به کارش ادامه دهد و دست شورای ملی را از نظارت و کنترل بر عملکرد حکومت کوتاه کند.»

مهدی راسخ، عضو دیگر مجلس نمایندگان می‌گوید رهبری حکومت در موارد زیادی در تلاش انحصار قدرت بوده و نمی‌خواهد که به مراجع رسمی و به صورت قانونی پاسخ‌گو باشد و مورد نظارت قرار بگیرد، از همین‌رو نمی‌خواهد نامزدوزیران را جهت اخذ رأی به مجلس معرفی کند. آقای راسخ می‌افزاید که رهبری حکومت نمی‌خواهد افرادی را که در پست‌های مهم گماشته از سوی مجلس مورد ارزیابی و یا تأیید و رد قرار گیرد: «در کل انحصارطلبی باعث شده که قانون را دور بزند و از حاکمیت قانون گریز داشته باشد.»

این عضو مجلس با اشاره به گذشته که سال‌ها وزارت‌خانه با سرپرستان اداره شد، احتمال می‌دهد که حکومت به بهانه‌های مختلف و بدون عذر موجه یک مدت طولانی نامزدوزیران را به مجلس معرفی نکند و به فرهنگ سرپرستی ادامه دهد.

اما ناصر تیموری، از دیدبان شفافیت افغانستان می‌گوید که پارلمان فعلی با مشکل مشروعیت انتخاباتی و عمل‌کرد مواجه است، برخی نمایندگان متهم به فساد‌اند، اتهام‌های در زمینه دادن یا ندادن رأی اعتماد وجود دارد و در کل پارلمان فعلی یک قوه مؤثر در عرصه داد‌خواهی برای حقوق مردم و نظارت از عمل‌کرد حکومت نیست. آقای تیموری می‌افزاید که این پارلمان فشار لازم بر حکومت برای معرفی نامزدوزیران وارد کرده نمی‌تواند و به همین خاطر نامزدوزیران به مجلس معرفی نمی‌شود، بلکه ادارات توسط سرپرستان اداره می‌شود: «پارلمان یک قوه مؤثر برای داد‌خواهی حقوق مردم و نظارت از حکومت نبوده است.»

> به گفته‌ی این عضو مجلس، اکثر سرپرستان به‌دلیل این که رأی اعتماد از مجلس نگرفته‌اند، به شورای ملی پاسخ‌گو نیستند، اما زمانی‌که از سوی مجلس رأی اعتماد می‌گیرند، مجبورند که متعهد به پاسخ‌گویی باشند، چون اگر مرتکب عملکرد فراقانونی شوند، استیضاح و صلب صلاحیت می‌شوند: «به همین دلایل رییس‌جمهور خواسته که حکومت را از مجرای غیرقانونی به کارش ادامه دهد و دست شورای ملی را از نظارت و کنترل بر عملکرد حکومت کوتاه کند.»

از سوی هم آقای تیموری می‌افزاید که رییس‌جمهور غنی در رأس سه قوه و رییس دولت مطابق قانون مسئولیت دارد که مجلس نمایندگان را از وضعیت فعلی نجات دهد، اما رییس‌جمهور نه‌تنها پارلمان را از این وضعیت نجات نداده، بلکه از این وضعیت به نفع خود استفاده و به‌صورت یک‌جانبه و بدون نظارت و سهم پارلمان امور اجرایی دولت را پیش برده است.

به گفته‌ی تیموری، این عوامل دست در دست هم داده و باعث شده که نامزدوزیران به‌مدت طولانی به مجلس نمایندگان معرفی نشوند.

نبود نظارت و تأثیر مخرب فرهنگ سرپرستی بر حکومت‌داری

نمایندگان مجلس و دیدبان شفافیت می‌گویند که ادامه فرهنگ سرپرست و معرفی نشدن نامزدوزیران برای گرفتن رأی اعتماد به پارلمان عملا نقش نظارتی شورای ملی بر نهادهای اجرایی را فلج کرده و همچنان ادامه این فرهنگ حکومت‌داری و عرضه خدمات را آسیب زده و باعث گسترش فساد شده است.

ناصر تیموری می‌گوید که هرچند نظارت یک مسأله بسیار اساسی است، اما در حال حاضر عملا نظارت از امور اجرایی دولت وجود ندارد و به‌دلیل نبود نظارت، فساد گسترده شده است: «یک ساختار و یک بخش نظام سیاسی فلج است و در فلج بودن این نهاد، نظارت عملا از بین رفته و فساد گسترده شده است.»

محمدرحیم علی‌یار می‌گوید کسانی که از مجلس رأی اعتماد نمی‌گیرند خودشان می‌فهمند که چند ماه بیش‌تر در این سمت‌ها نیستند و به همین دلیل گرفتار روزمرگی می‌شوند، به مجلس پاسخ‌گو نیستند و چند صباحی که در آن سمت‌ها حضور دارند تلاش می‌کنند دست به فساد مالی و اداری و اقدام‌های فراقانونی بزنند. آقای علی‌یار می‌افزاید سرپرستان به‌دلیل این که از سوی مجلس رأی اعتماد نگرفته‌اند پاسخ‌گو نیستند و به همین دلیل بخش مهم از کار شورای ملی که نظارت بر اعمال حکومت است، معطل قرار دارد.

مهدی راسخ می‌گوید که طولانی‌ترین برنامه‌های ادارات افغانستان برای یک سال یا چند ماه است و به همین دلیل کسی احساس نمی‌کند که به‌عنوان مسئول اداره یک برنامه پنج یا ده سال تهیه کند: «سنت سرپرستی شدیدا حاکمیت قانون را آسیب می‌زند.»

مطابق قانون، سرپرست صلاحیت‌های وزیر را ندارد و به همین دلیل به گفته‌ی این اعضای مجلس، کارهای حکومت‌داری به مشکل می‌خورد. همچنان مطابق قانون مدت سرپرستی دو ماه است و کسی بیش‌تر از دو ماه نمی‌تواند به عنوان سرپرست در یک اداره به کار ادامه دهد، اما از دوره حکومت وحدت ملی تاکنون برخی افراد سال‌هاست که به عنوان سرپرست کار می‌کنند.

ترجمه

موفقیت مذاکرات صلح به ایستادگی امریکا با افغانستان بستگی دارد

سرمقاله واشنگتن پست
مترجم: جلیل پژواک

پس از شش ماه تأخیر، مذاکرات صلح افغانستان این هفته در دوحه در حالی آغاز شد که خشونت در سراسر این کشور ادامه دارد و انتظار پیشرفت زودهنگام در مذاکرات پایین است. با این‌وجود نشست هیأت طالبان و هیأتی به رهبری حکومت افغانستان، پس از دو دهه جنگ، پیشرفت خوبی به‌شمار می‌رود. این شروع، امیدواری‌هایی را ایجاد کرده مبنی بر این‌که دست‌یابی به یک توافق سیاسی برای پایان‌دادن به جنگ افغانستان به شرطی که ایالات متحده و سایر متحدان افغانستان همچنان مصمم باقی بمانند، امکان‌پذیر است.

طالبان سال‌ها از هرگونه تماس با دولت‌های افغانستان که به دنبال سرنگونی رژیم دیکتاتوری اسلام‌گرایانه این گروه به دست ائتلاف به رهبری امریکا، روی‌کار آمدند، خودداری کرد. در جانب مقابل، حکومت افغانستان اصرار داشت که شورشیان طالب قبل از پیوستن به هرگونه مذاکرات صلح، ابتدا باید قانون اساسی و ارزش‌های آن همچون انتخابات دموکراتیک و حقوق زنان را به رسمیت بشناسند.

اختلافات بر سر این‌که افغانستان در آینده چگونه اداره شود، همچنان شدید است. اما از آن‌جایی که دیری‌ست مشخص شده که هیچ راه‌حل نظامی برای پایان‌دادن به این جنگ وجود ندارد، آغاز مذاکرات صلح دست‌کم کورسوراهی را به سمت صلح باز می‌کند، پیشرفتی که اعتبار آن به دولت ترمپ و زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه ترمپ برای مصالحه افغانستان، برمی‌گردد. آقای خلیل‌زاد ابتدا بر سر دست‌یابی به توافقی بین ایالات متحده و طالبان، با این گروه مذاکره کرد و سپس حکومت افغانستان را متقاعد کرد که شرایط توافق‌نامه ایالات متحده و طالبان، از جمله آزادی ناراحت‌کننده پنج هزار زندانی طالبان را بپذیرد.

شک و تردیدها در مورد پیشرفت مذاکرات کنونی دو دلیل عمده دارد. دلیل اول، شرایط نابرابر توافق‌نامه طالبان و ایالات متحده است که به جایگاه نابرابر دو طرف در میز مذاکره منجر شده است. ایالات متحده موافقت کرده که تمام سربازان خود را تا ماه می سال آینده از افغانستان خارج خواهد کرد. عملی‌شدن این وعده به تحقق این وعده‌ی طالبان که از حمله بر اهداف مرتبط با ایالات متحده و سایر نیروهای بین‌المللی در افغانستان خودداری و با القاعده قطع رابطه می‌کند، بستگی دارد. طبق گفته ناظران بین‌المللی و فرماندهان نظامی امریکا، شورشیان طالب به هیچ یک از این تعهدات خود به‌طور کامل عمل نکرده‌اند و به حملات خود بر نیروهای دولت افغانستان ادامه داده و از زمان امضای توافق‌نامه صلح با ایالات متحده در ماه فبروری تاکنون، بیش از ۱۰ هزار نفر را کشته و زخمی کرده‌اند.

عدم رعایت تعهدات توافق‌نامه دوحه از جانب طالبان از یک‌سو و تمایل آشکار رییس‌جمهور ترمپ به خارج‌کردن نیروهای امریکایی از افغانستان بدون درنظرگرفتن وضعیت در این کشور، چالش را دوچندان کرده است. آقای ترمپ با کاهش تعداد نیروهای ایالات متحده از ۱۲ هزار به ۸۶۰۰ سرباز طبق توافق‌نامه با طالبان، خواستار خروج شمار دیگری از نیروهای امریکایی از افغانستان تا قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده شده است که در نتیجه آن تا ماه نوامبر سال جاری تعداد نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان به ۴۵۰۰ نفر کاهش خواهد یافت. یک راه منطقی برای طالبان این است که در مذاکرات بمانند و ببینند که آیا آقای ترمپ - یا جو بایدن، معاون رییس‌جمهوری پیشین - خروج سربازان امریکایی را بدون قید و شرط کامل خواهد کرد یا خیر.

شانس افغانستان برای دست‌یابی به صلح، به تمایل رییس‌جمهور امریکا به حفظ نیروهای امریکایی در افغانستان تا زمانی که طالبان از خود اراده واقعی برای توافق و صلح نشان ندهند، بستگی دارد. توافق در مورد آتش‌بس جامع، همراه با قطع قطعی روابط با القاعده، باید از پیش‌شرط‌های خروج کامل باشد. طالبان انگیزه‌هایی برای توافق دارند. از جمله این انگیزه‌ها، می‌توان تمایل این گروه را به به رسمیت‌شناخته‌شدن در سطح بین‌المللی و دسترسی به کمک برای حکومت آینده افغانستان نام برد. اگر ایالات متحده محکم بایستد، در آن صورت روند صلحی را که آغاز کرده است شانسی برای موفقیت خواهد داشت.

عکس از حیدر یاسا، یکی از رضاکاران کوچه‌به‌کوچه

کارزار کوچه‌به‌کوچه؛

چگونه صدها خانواده‌ی فقیر «سورپرایز» شدند؟

سهراب سروش
گزارشگر

بحران جهانی ویروس کرونا همزمان با روزهای آغازین بهار امسال به افغانستان رسید؛ بحرانی که برای دیگر کشورهای جهان یک «پاندمی» تعریف شد، ولی برای مردم افغانستان مثل هجوم ناگهانی «کلاغ‌های سیاه گرسنگی» بود که کوچه‌به‌کوچه بر کُنگره‌ی خانه‌ها نشسته با صدای غم‌انگیزی آواز فقر و فاجعه می‌خواند. در پاسخ به همین آواز بود که در کابل کارزاری شکل گرفت زیر نام «کوچه‌به‌کوچه»؛ کارزار خودجوش و مردمی که روزبه‌روز گسترش یافت و در شرایط سخت کرونایی یاور ناشناس صدها خانواده‌ی فقیر و مستحق شد.

هر حرکتی از جایی شروع می‌شود. این کارزار از میان تفت و بخار یک بشقاب عدس زاده می‌شود. شامگاه دوم ماه اپریل، وقتی جوانی به‌نام «مهدی مدبر»، پس از یک روز پر از فشار و جنجال وارد خانه‌اش در کوچه‌ی بیست متره‌ی برچی می‌شود، از آشپزخانه بوی عدس به مشامش می‌رسد؛ غذایی که زیاد خوشش نمی‌آید. وقتی همه دور دسترخوان جمع می‌شوند، او با قاشق به بشقاب عدس اشاره می‌کند و یک جمله‌ی اعتراض‌آمیز به زبان می‌آورد: «عدس هم غذاست؟» این اعتراض، مادرش را ناراحت می‌کند: «سیر استی بچیم سیر؛ خانم همسایه با سه کودکش نان خشک برای خوردن ندارند، تو عدس نمی‌خوری!»

مهدی تمام آن روز و روزهای پیش از آن حرفی غیر از کرونا، فقر و فاجعه نشنیده است. به‌تازگی در کابل قرنطین وضع شده است. کرونا همچون خطر نامرئی، انگار در همه‌جا هست. همه مستأصل شده و منگ مانده‌اند. ذهن مهدی نیز پر از نگرانی و تشویش است. هرچند خود از اهالی گرسنه‌ی کابل نیست، ولی از اهالی بیدارش هست. آن شب نمی‌تواند بخوابد تا این‌که در «استوری» فیس‌بوکش می‌نویسد: «یک خانم با سه طفل خردسالش در نزدیکی خانه‌ی ما در این روزهای سخت، مواد غذایی اولیه ندارند، اگر کسی مایل به همکاری باشد، پیام بگذارد.»

صبح وقتی بیدار می‌شود، سه پیام همکاری دریافت کرده است. یکی از پیام‌ها را دوستش «جواد زاولستانی» نوشته است. آن روز مهدی و جواد کمک‌های آن دو نفر دیگر را نیز تحویل گرفته با مقدار مواد خوراکی و مبلغی پول نقد به دم در خانه‌ی آن خانم می‌روند. خانم آن‌قدر خوشحال می‌شود که گریه‌اش می‌گیرد. در راه برگشت جواد به مهدی می‌گوید: «وضع خیلی خراب است، بیا به همین شیوه آدم‌های بیش‌تری را خوشحال کنیم!»

مهدی ۲۸ ساله و از بامیان است. کودکی‌اش را با سختی و تنگدستی سپری کرده است. در کودکی با کوشش بسیار درس می‌خواند. در جوانی وارد دانشکده‌ی کمپیوتر ساینس دانشگاه کابل می‌شود، از آن جا با نمرات عالی فارغ می‌شود و پس از فراغت چند سالی است که با یک شرکت تکنولوژی کار می‌کند و در دانشگاه‌های خصوصی نیز کمپیوتر تدریس می‌کند. جواد نیز ۲۸ ساله است. او از دایکندی است. با مروری کوتاهی که به زندگی‌اش داشتیم، چیز زیادی در زندگی‌اش کم نداشته است. به یاد نمی‌آورد گاهی دچار وقفه‌ی فکری شده باشد. همیشه مشغول درس و کار و کوشش بوده است. پس از این‌که در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه کابل ادبیات انگلیسی می‌خواند، بورس «فولبرایت» کشور امریکا را به‌دست می‌آورد و از آن‌جا با مدرک کارشناسی ارشد در زمینه‌ی «حل منازعه» بر می‌گردد.

مهدی شاید برای جبران سال‌های تنگ‌دستی کودکی و جواد از روی بی‌نیازی عاطفی، مجذوب کمک و حمایت دیگران است. هر دو به من گفتند که هیچ چیز به اندازه‌ی همدلی با دیگران ما را خوشحال نمی‌کنند: «آن روز وقتی خوشحالی آن خانم را دیدیم، حس بسیار خوبی داشتیم، ولی می‌دانستیم که هزاران نفر مثل او در این شهر زندگی می‌کنند که مستحق همدلی و دست‌گیری است. ما دوست نداریم به آنان مسکن، نیازمند، مستمند و … بگوییم، آن‌ها مستحق هستند؛ حق‌شان است که از سوی جامعه با آنان همدلی و همکاری صورت بگیرد. ما نباید آرام می‌نشستیم. تصمیم گرفتیم کارزاری را شروع کنیم تا از طریق آن مستحقین را شناسایی کرده به انسان‌های سخی و نیکوکار معرفی کنیم و نیز با استفاده از شبکه‌های اجتماعی کمک جمع‌آوری کرده به مستحقین برسانیم.»

هفته‌های اول کارزار

در روزهای نخست کارزار، شناسایی مستحقین و جمع‌آوری کمک‌ها محدود به گروه کوچک دوستان‌شان است. شناسایی افراد مستحق سخت نیست. در هرجا و در هر کوچه هستند. خیلی‌ها کارشان را از دست داده‌اند. خیلی‌های دیگر از قبل بیکار بوده‌اند. خانواده‌های با سرپرست زن و سطح تحصیلات پایین، خانواده‌های قربانیان جنگ، قربانیان مواد مخدر، افراد علیل و بیمار و نیز کارگران روزمزد و سر چوک، همه و همه در وضعیت دشوار و آسیب‌پذیری قرار گرفته‌اند.

با این حال خیلی زود پی می‌برند که حجم کار بسیار بیش‌تر است. میزان همدلی و کمک‌دهی نیز چشم‌گیر است. سعی می‌کنند تا آن‌جا که در توان‌شان است، با هماهنگی درست، همدلی و دست‌گیری را به بحث روز جامعه تبدیل کنند. هدف آن است تا افراد و گروه‌های رضاکار از هر کوچه و محله برای شناسایی و کمک‌رسانی به مستحقین کوچه و محله‌ی خودشان بسیج و هماهنگ شوند. اما پس از اطلاع‌رسانی در شبکه‌های اجتماعی بسیچ و هماهنگی مورد نظر شکل نمی‌گیرد. در عوض شمار زیادی داوطلبانه به آن‌ها می‌پیوندند؛ داوطلبی که فقط به معنای انجام کار رضاکارانه نیست، بلکه در آن شرایط خاص کرونایی که آدم از آدم می‌هراسد، خطرپذیری، از خودگذری و شجاعت به حساب می‌آید.

با گسترش کارزار و بیش‌ترشدن اعضای آن، از مراجع مختلف، فهرست‌های گوناگونی از مستحقین دریافت می‌کنند. طی یکی-دو هفته لیست طویلی جور می‌شود. مجبور می‌شوند برای درجه‌بندی سطح نیازمندی افراد با هر یک مصاحبه‌ی تلفنی انجام دهند. پس از انجام مصاحبه، معلومات مورد نیاز را وارد بانک معلوماتی (Database) کمپین کرده و مستحقین را اولویت‌بندی می‌کنند. افرادی که در خانه‌های کرایی زندگی می‌کنند، کارگر ندارند یا کارگرشان با مزد بسیار ناکافی کار می‌کنند و یا سرپرست خانواده مریض، معلول، معتاد و معیوب هستند در اولویت قرار می‌گیرند.

پس از برسی دقیق‌تر و دیدار از حاشیه‌ها و زاغه‌نشین‌های شهر متوجه بی‌شمار خانواده‌های می‌شوند که عملا در آن شب و روزها گرسنگی می‌کشیدند، کسانی که حتا هزینه‌ی تأمین ضرورت‌های اولیه‌شان را نداشتند. به‌نظر می‌رسد که مشکل گسترده‌تر و عمیق‌تر از چند خانواده و چند کوچه و محله است. حال که آستین بر زده‌اند، باید کمربندها را نیز محکم‌تر کنند. وضعیت بد خانواده‌ها و ابراز خوشحالی آنان حین دریافت کمک‌ها بر انگیزه‌شان می‌افزایند. باید کارزار را گسترده‌تر کنند. این بار ضمن کمک‌های نقدی و مواد غذایی، کوشش در جهت ایجاد فضای همدلانه‌ی اجتماعی و آگاهی‌دهی در مورد ویروس کووید۱۹ بدون ایجاد ترس و نگرانی بیش از حد، تهیه و رساندن توصیه‌های صحی در رابطه به علایم ابتلا به کووید۱۹، راه‌های جلوگیری از گسترش آن و شیوه‌های مراقبت از مبتلایان، توزیع بسته‌های صابون و ماسک‌های صحی نیز در دستور کار قرار می‌گیرد. برای هماهنگی بیش‌تر افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ تیم مدیریتی که خود جواد و مهدی هستند، تیم صحی که سه عضو دارد و هر سه پزشک هستند و تیم رضاکاران که بیست و چند نفرند. کارزار به کوچه‌به‌کوچه مسما می‌شود.

در افغانستان رسم بر آن است که هرگاه کسی به کسی کمکی بکند، از آن جریان عکس و ویدیو گرفته شده و به گونه‌ی شرم‌آوری نشر می‌شود. این کار چند دلیل دارد؛ یا از روی ریاکاری است، یا کسب اعتماد نهادهای دونر و یا ممکن از روی دلسوزی و برای بازتاب وضعیت زندگی مردمان فقیر برای جلب توجه اشخاص خیّر. به هر دلیلی که باشد، در بلندمدت برای فقیران، خصوصا کودکان آنان پیامدهای منفیِ اجتماعی و روحی_روانی در پی دارد. کوچه‌به‌کوچه با توجه به این امر مهم، یکی از ارزش‌های که برای خود تعریف می‌کند، حفظ حرمت، عزت نفس و کرامت انسانی مستحقین است. نباید با گرفتن عکس، ویدیو و یا بردن اسمی، هویت مستحقان همگانی و خدشه‌دار شود. با تعریف این ارزش‌ها، درست بیست روز بعد از شروع کارزار، هشتک #کوچه‌به‌کوچه و سیستم اعانه‌دهی فیس‌بوک به همکاری «جعفر رضایی»، ساکن کالیفرنیای امریکا، برای جمع‌آوری کمک‌ها از سایر نقاط جهان به راه انداخته می‌شود.

جمع‌آوری کمک‌ها و کمک‌دهندگان

برای جمع‌آوری کمک‌ها دو نوبت سیستم اعانه‌دهی فیس‌بوک راه‌اندازی می‌شود. در نوبت نخست، هدف چهار هزار دالر تعیین می‌شود؛ مبلغی که با حمایت‌های مردمی از سراسر جهان بیش‌تر از حد تعیین‌شده و زودتر از زمان تعیین شده تکمیل می‌شود. در نوبت دوم، هدف هشت هزار و ۶۰۰ دالر تعیین می‌شود. این بار نیز بیش از هدف مورد نظر، یعنی ۹ هزار و ۱۴ دالر به‌دست می‌آید. مقدار کمک‌ها از ده دالر شروع و تا ۴۰۰ دالر می‌رسد. در مجموع کوچه‌به‌کوچه طی هر دو نوبت ۲۴۶ هزار و ۳۴۵ افغانی و ۱۳ هزار و ۷۰۴ دالر امریکایی به دست می‌آورند.

بیش‌تر این کمک‌ها از سوی مهاجران و پناهندگانی مقیم کشورهای مختلف جهان به حساب کارزار واریز می‌شود، اما همه‌ی کمک‌دهندگان افغانی نیستند. یک نفر از شیلی، جنوبی‌ترین کشور امریکای جنوبی و شاید دورترین نقطه‌ی جهان از افغانستان به کوچه‌به‌کوچه کمک کرده است. یک خانم ایرانی ساکن کانادا ضمن کمک به این کارزار، بابت بدرفتاری حکومت ایران با مهاجرین افغان ابراز تأسف کرده و از ایرانیان می‌خواهد که این کارزار را حمایت کنند و با مردم افغانستان که از نظر او «خویشاوند» مردم ایران‌اند، در شرایط سخت کرونایی همدلی کنند. یک دختر ۱۶ ساله‌ی بریتانیایی در روز تولدش به حساب کوچه‌به‌کوچه پول می‌ریزد و با اشتراک‌گذاری «لینک» سیستم اعانه‌دهی از دوستان و خانواده‌اش می‌خواهد، به‌جای آوردن هدیه‌ی تولد برای او، به حساب این کارزار پول واریز کنند. یک دختر دانشجوی افغانی که در جریان قرنطین در چین تنها مانده است، تمام کمک هزینه‌ی تحصیلی یک ماهش را که ۲۱۱ دالر می‌شود، برای کوچه‌به‌کوچه می‌فرستد. در شناسه‌ی فیس‌بوک او نوشته شده است: «اندکی نان خشک، کمی آب بی‌آهک، یک مشت آرزو و مقداری خنده، برای گذران روزگارم کافی‌ست!»

علاوه بر موارد قبل یک سرمایه‌گذار افغانی ۵۰ بوری ۵۰ کیلویی آرد و ۵۰ بوتل پنج‌لیتری روغن به کارزار می‌بخشد و حاضر نمی‌شود نامش در جایی برده شود. کمک‌ها را شب هنگام تحویل می‌دهد، زیرا بیم آن می‌رود که در روز از سوی مردم وحشت‌زده در آن روزها چپاول شود. جواد که با لباس‌های رسمی به دیدار آن تاجر رفته است، مجبور می‌شود تا ساعت دوازده بجه‌ی شب گونی‌های هفت سیره‌ی آرد را از موتر پشت کرده به یک گدام انتقال بدهد. مهدی می‌گفت قواره‌ی جواد مثل آسیابان‌های آسیه‌های آبی قدیم در روستاها شده بود.

همچنان ۸۰۰ دانه ماسک طبی از سوی «توران سلطانی»، یکی از رضاکاران کارزار و ۴۰۰ دانه ماسک دیگر از طرف «لیلا حیدری»، بنیان‌گذار «کمپ مادر» به کوچه‌به‌کوچه اهدا می‌شود. ماسک‌های کمپ مادر را مردان معتادی دوخته بودند که برای ترک مواد در کمپ مادر به‌سر می‌بردند. «گهواره»، گروهی که در زمینه‌ی ادبیات کودک کار می‌کند، نیز ده‌ها جلد کتاب کودکانه با عناوین مختلف در اختیار کوچه‌به‌کوچه قرار می‌دهد که همراه با بسته‌های مواد غذایی به دست کودکان خانواده‌های فقیر و مستحق رسانیده می‌شود.

توزیع کمک‌ها و رضاکاران

از شروع کارزار تا انجام آن در مجموع به ۴۰۵ خانواده از طریق کوچه‌به‌کوچه کمک توزیع می‌شود. در آغاز برای شماری پول نقد داده می‌شود، چیزی در حدود پنج هزار افغانی و یا کم‌تر از آن. پس از این‌که سیستم اعانه‌دهی فیس‌بوک فعال می‌شود، تصمیم بر آن می‌شود تا کمک‌ها در قالب بسته‌های مواد غذایی پیش دروازه‌ی خانه‌های مستحقین رسانیده شود. روی این‌که بسته‌های مواد غذایی شامل چه چیزهایی باشد، میان مهدی و جواد بحث در می‌گیرد. مهدی با شامل کردن عدس در بسته‌های غذایی مخالف است، ولی در نهایت قبول می‌کند. بسته‌های مواد غذایی عبارت بودند از یک گونی آرد، یک بوتل روغن، ۸ پاکت مکرانی، یک سیر برنج، چند کیلو لوبیا، چند کیلو عدس، شکر، خرما، و مواد بهداشتی مثل صابون، ماسک طبی و غیره. علاوه بر آن برگه‌های معلوماتی درباره‌ی نشانه‌های بیماری کووید۱۹، راه‌های جلوگیری از مبتلاشدن به آن و شیوه‌های مراقبت بعد از مبتلا شدن به آن. همچنان برای شماری از خانواده‌ها که کودکان مکتبی داشتند، کتاب‌های کودکانه‌ی گروه گهواره نیز تقدیم می‌شود.

این بسته‌های مواد غذایی در هشت نوبت در جریان نزدیک به شش ماه به خانه‌ی مستحقین برده می‌شود. بسته‌ها را رضاکاران کارزار کوچه‌به‌کوچه با قبول روبه‌روشدن با احتمال خطر کرونا در روزهای جمعه توزیع می‌کردند. رضاکاران به تیم‌های دو نفری تقسیم می‌شدند. یک نفر با موتر خود می‌آمدند و رانندگی می‌کردند، نفر دیگر از روی برگه‌ی که آدرس خانه، شماره‌ی تلفن و شماره‌ی تلفن معرفی‌کننده روی آن نوشته شده است، تماس می‌گرفتند و می‌گفتند ما پیش خانه‌ی تان هستیم و برای تان هدیه آوردیم. معمولا آن‌ها می‌پرسیدند، چه هدیه‌ای و از جانب کی؟ خالق ابراهیمی، یکی از رضاکاران عادت داشت که می‌گفت، از سوی «هیچ کس».

> یک نفر از شیلی، جنوبی‌ترین کشور امریکای جنوبی و شاید دورترین نقطه‌ی جهان از افغانستان به کوچه‌به‌کوچه کمک کرده است. یک خانم ایرانی ساکن کانادا ضمن کمک به این کارزار، بابت بدرفتاری حکومت ایران با مهاجرین افغان ابراز تأسف کرده و از ایرانیان می‌خواهد که این کارزار را حمایت کنند و با مردم افغانستان که از نظر او «خویشاوند» مردم ایران‌اند، در شرایط سخت کرونایی همدلی کنند. یک دختر ۱۶ ساله‌ی بریتانیایی در روز تولدش به حساب کوچه‌به‌کوچه پول می‌ریزد و با اشتراک‌گذاری «لینک» سیستم اعانه‌دهی از دوستان و خانواده‌اش می‌خواهد، به‌جای آوردن هدیه‌ی تولد برای او، به حساب این کارزار پول واریز کنند.

خالق سه بار چشم‌دیدهایش را از جریان توزیع کمک‌ها تحت عنوان «هدیه‌ای از سوی هیچ‌کس» در فیس‌بوکش نوشت. یادداشت‌های خالق نشان می‌دهد که این هدیه‌ها برای مستحقین چیزی مثل یک هدیه نبودند، بلکه بیش‌تر از آن، انگار مثل دعاهای مستجاب شده بودند. روایت‌های خالق واقعا تکان‌دهنده است، روایت کودکانی که پدرشان معتاد و گم شده‌اند، قصه‌ی بیماران درمانده‌ای که ماه‌هاست زمین‌گیر شده و کف اتاق دراز افتاده‌اند. یک مورد از روایت‌های او مثل افسانه‌های تاریخی است. بخش از آن را با هم می‌خوانیم: «دروازه‌ی حویلی کوچک و به رنگ فیروزه‌ای بود. آرد و برنج و شکر و لوبیا را که تحویل دادیم، اول چند تا کودک آمده بودند. چهار تا کتاب قصه کودکانه از هدیه‌های گروه گهواره را به آن‌ها دادیم، خوشحال شدند. خانه که رفتیم، آن چهار کودک با چند تن دیگر در کنار سه خانم به ردیف نشسته بودند. خانم‌ها حرف می‌زدند، خودشان را معرفی می‌کردند. مادر همان بچه‌ها را معرفی کردند. گفتند ۸ اولاد دارد. شوهرش معتاد به مواد مخدر بوده، زن و فرزندانش را به امان خدا سپرده و رفته ایران. دوستانش زنگ می‌زنند که دیگر منتظر او نباشید و غم خود را بخورید. عکس پیچکاری‌های مورد استفاده او را می‌فرستند، می‌گویند استخوان‌هایش پوک شده و به همین دلیل که بسیار مردانگی کند، جول خودش را از آب بیرون بکشد. مخدر روزگاری ناخوشایندی را برای آن‌ها رقم زده است. فاطمه مادر آن ۸ فرزند می‌گوید که سخت‌ترین روزگار را در ماه روزه‌ی همین امسال سپری کرده است. بسیاری از شام‌ها اگر همسایه‌ها افطاری نمی‌فرستادند، او بچه‌هایش را گرسنه می‌خوابانده. خانم فاطمه با آه در نهان می‌گوید، قصه‌های زندگی او طولانی است. قسمت‌های از آن شبیه داستان‌های است که در کودکی از زبان مادران خود می‌شنیدیم. مادران ما وقتی از صبر و تحمل در برابر ناداری صحبت می‌کردند، همیشه یک نمونه‌ی عالی داشتند. یکی از بی‌بی‌های بزرگ عالم، شاید خانم یکی از پیامبران یا امامان معصوم، برای آرام کردن بچه‌هایش سنگ را داخل دیگ جوش می‌داده تا به فرزندانش نشان دهد که چیزی برای خوردن هست. از این طریق تاب و تحمل آنان را در برابر گرسنگی افزایش می‌دادند. خانم فاطمه هم می‌گوید که اکثر شب‌ها مجبور بوده به فرزندانش دروغ بگوید. حالی نان می‌آورم، بعدتر می‌آورم و یا نیم ساعت و یک ساعت دیگر. وقتی بچه‌هایش گرسنه می‌خوابیدند او از شدت بیچارگی خواب نمی‌رفته که صبح وقتی فرزندانش نان بخواهند، چه جواب دهد؟»

برخی از مستحقین آن‌قدر مستحق بودند که حتا تلفن نداشتند. معرفی‌کنندگان شماره‌ی اقوام‌شان را داده بودند. مهدی قصه کرد، مردی فقیری با خانواده‌اش در محله‌ی «ده قابل» زندگی می‌کردند، ولی فرد معرفی‌کننده شماره‌ی باجه‌اش را که ساکن محله‌ی «ریگریشن» بود، به ما داده بود. وقتی ما زنگ زدیم، یک ساعت طول کشید تا توانستیم آدرس را پیدا کنیم. جواد قصه کرد که در یکی از روزها برای رساندن کمک به یک خانواده واقع در تانک تیل برچی رفتیم. خانواده بود، اما خانه نداشت. هشت نفر فقط در یک اتاق زندگی می‌کردند. اتاق هم فقط یک فرش کهنه داشت. مرد خانه از مدت‌ها پیش مریض و در یک کنج اتاق دراز مانده بود. در آن وضعیت ناله‌کنان و به سختی از جایش بلند شده بود، تذکره‌اش به دستش بیرون آمده بود. گفتیم نباید می‌آمدی. گفت مگر از ما عکس و شصت نمی‌گیرید؟

دو نوبت برای توزیع کمک‌ها خودم به ساحه رفته بودم و به موارد مشابه با آنچه خالق دیده بود، سر خوردم. در شهرک اتفاق واقع در بغل جنوبی کوه موسم به چهل دختران، برای پیدا کردن یک خانه به درد سر افتادیم. شماره‌ی تلفن نداشت و شماره معرفی‌کننده هم رخ نمی‌شد. با نیم ساعت پرسان و جست‌وجو، مردمان محل در حدود هزار متر بالاتر از سرک در دل کوه، خانه‌ی گِلی‌ای را نشان دادند و گفتند در آن خانه یک زن و یک مرد زندگی می‌کنند. مرد قبلا نسوار می‌فروخت ولی بیش از یک سال است که هم مریض است و هم نابینا شده است. نمی‌تواند از جایش بلند شود. خانمش نیز مشکل عصبی دارد. بوجی آرد را پشت کردیم و از راه‌های که راه نبود، بی‌راهه بود، طرف خانه‌اش رفتیم. وقتی خانمش ما را دید، سراسیمه شد. می‌پرسید شما کی هستید؟ می‌گفتیم ما از سوی کوچه‌به‌کوچه آمده‌ایم، ولی نمی‌فهمید، یا باور نمی‌کرد. اصرار داشت که شما حتما از آشنایان یا فامیل ما هستید. با ما پایین آمد که باقی بسته‌ها را تحویل بگیرد. قصه‌های بی‌کسی و تُن صدایش آدم را شکنجه می‌کرد.

آن‌جا که بود که با خود فکر کردم، هر شبانه روز چه اشک‌هایی که در گوشه و کنار این شهر از سر ناداری و رنج بر زمین آرزو ریخته نمی‌شود! چه دل‌های که از سر اضطرار و ناچاری نمی‌شکند! دست‌های بی‌نیرو، چشم‌های خیره، قلب‌های آزرده، پاهای ناتوان، سینه‌های مضطرب، اتاق‌های سرد، محله‌های تاریک، غروب‌های غمگین، شب‌های تاریک و همه و همه چشم‌انتظار همدلی و مهربانی نیکوکاران است.

موارد دیگر

کوچه‌به‌کوچه زاده‌ی وضعیت کرونایی است، اما به‌دلیل جای خالی مؤسسات خیریه، خیلی زود به یک آدرس قابل اعتماد برای کارهای همدلانه و خیراندیشانه تبدیل می‌شود. علاوه بر کمک‌رسانی‌های که یادآوری شد، در روزهای قرنطین شماری از طریق کوچه‌به‌کوچه به گونه‌ی دیگر ابراز همدلی می‌کردند. کسانی به مهدی و جواد مبلغی مشخصی را می‌پرداختند و آنان باید همان مبلغ را از آدرس کوچه‌به‌کوچه به نام و نشانی مشخصی می‌رساندند. جواد گفت چند مورد به این شیوه کمک‌رسانی کردیم. کمک‌دهندگان به خاطر حفظ حرمت و کرامت انسانی کمک‌گیرنده که معمولا از آشنایان یا بستگان‌شان بود، به ما مراجعه می‌کردند.

همچنان از طریق کارزار کوچه‌به‌کوچه برای یک مریض مبتلا به توبرکلوز استخوان که از ناحیه‌ی کمر به پایین کاملا فلج شده بود، جداگانه کمک جمع‌آوری می‌شود. او بیش از یک سال بود که فلج و زمین‌گیر شده بود. تمام این مدت روی «جول» افتاده و به سقف چوبی خانه محقرش، خیره شده بود. باید جراحی می‌شد، اما پولی نداشت. او در صحبت با رضاکار کوچه‌به‌کوچه گفته بود، برای من این سوال باقی است که آیا دوباره می‌توانم به زندگی عادی و بدون درد ادامه بدهم، آیا می‌توانم به گِل‌کاری ادامه دهم؟ او بیش از یک سال مدام این سوال را از چوب‌های سقف خانه‌اش پرسیده بود؟ کمک‌های‌های جمع‌آوری‌شده منجر به عملیات موفقانه او و بهبودی او شد. او حالا روحیه و شادابی‌اش را باز یافته است. فعلا امیدوار است که بتواند روی پاهایش ایستاد شود.

همچنان کوچه‌به‌کوچه در واکنش به حادثه‌ی سیلاب پروان سهم فعالانه گرفت. به تاریخ پنجم ماه سنبله‌ی سال روان، در ولایت پروان سیلاب ویرانگری جاری شد که بر اثر آن دست‌کم ۱۶۰ نفر کشته، بیش از ۱۳۰ نفر دیگر مصدوم و هزاران خانواده آسیب دیدند. کوچه‌به‌کوچه برای کمک‌رسانی و همدلی با آسیب‌دیدگان، کمپین جداگانه‌ای راه‌اندازی کرد و با جمع‌آوری کمک‌ها از سطح شهر کابل، ۱۶۵ بسته مواد غذای و البسه شامل نان و آب، کمپل و لباس و نیز پول نقد به آسیب‌دیدگان توزیع کرد.

و همچنان کارزار #کوچه‌به‌کوچه، جیب‌خرج پنج دختر دانشجو را که از پرورشگاه دولتی به خوابگاه دانشگاه کابل انتقال داده شده بودند، برای مدت دو ماه پرداخت کرد. مکان بودوباش این پنج دختر دانشجو، خوابگاه دانشگاه کابل است اما خودشان با بورسیه در دانشگاه‌های خصوصی مصروف تحصیل هستند و از این رو در هر ماه نیاز به پول دارند تا نیازمندی‌های دوران دانشجویی‌شان را تأمین کنند. این هزینه‌ها را دو دختر افغان، یکی از کابل و دیگری از اروپا به دوش گرفتند و کوچه‌به‌کوچه فقط تسهیل‌کننده بود.

و در پایان

حالا که بیش از شش ماه از شروع فعالیت کارزار کوچه‌به‌کوچه می‌گذرد، دیگر ترس از کرونا کم‌کم از میان رفته و وضع به حالت عادی برگشته است. ظاهرا وضع عادی در افغانستان به معنای روزمرّگی و نادیدگی قشر آسیب‌پذیر و مستحق است. قشری که هرچند مدام در میدان دید جامعه است، ولی گویی نامرئی است. از جواد پرسیدم، آینده‌ی کوچه‌به‌کوچه چه می‌شود؟ جواد گفت: خیلی از دوستان ما پیشنهاد می‌کنند که کوچه‌به‌کوچه را تبدیل به یک نهاد خیریه کنیم، ولی با توجه به این‌که وضعیت تقریبا عادی شده، میزان همکاری‌ها نیز کمرنگ شده و از سوی دیگر از آغاز سال تا کنون تمام تیم رضاکار کوچه‌به‌کوچه جمعه‌ای نداشته‌ایم، در واقع جمعه شلوغ‌ترین روز کاری ما بوده است، فعلا نمی‌توانیم از پس جنجال‌های نهادشدن کوچه برآییم. بنابراین با اعتماد که شکل گرفته است، تیم کوچه‌به‌کوچه همچنان می‌ماند و در شرایط اضطرار فعال خواهیم بود و واکنش نشان خواهیم داد.

آخرین سوال را از مهدی پرسیدم: آیا عدس هم غذاست؟ مهدی در جوابم خندید و یک بار دیگر تکرار کرد که ما هرگز به دنبال چهره‌سازی از خود نیستیم. بار اول در شروع مصاحبه گفته بود، ما نمی‌خواهیم و حق نداریم بر کسی منت بگذاریم. بنابراین اگر ممکن است نامی از ما در گزارش نبر. من اما این فرمایش آن‌ها را نادیده گرفتم و با این نادیده‌گیری شاید اولین روزنامه‌نگاری باشم که به جای افشای فساد و بدی، خوبی و نیکوکاری را فاش می‌کنم.

کودکی که تمام اعضای خانواده‌اش را در سیلاب از دست داده، پایش نیز قطع خواهد شد؟

هادی خوش‌نویس
گزارشگر

حسنا ۱۳ سال دارد. هفته‌هاست که در شفاخانه وزیر محمداکبرخان بستری است و چشم به در و گوش به زنگ است که از مادر، پدر و خواهرش خبری بشنود. او تنها بازمانده یک خانواده پنج‌نفری از سیلاب سه هفته پیش در ولایت پروان است. پزشکان در شفاخانه وزیر محمداکبر خان می‌گویند حسنا از ناحیه پای صدمه‌ی جدی دیده و تیم پزشکی تلاش می‌کند که از قطع‌شدن پای حسنا جلوگیری شود.

وقتی حسنا را در شفاخانه دیدم، قادر نبود صحبت کند، اما مدام مادرش را می‌خواست. با توصیه داکتر حدود یک ساعت بعد دوباره به دیدن حسنا رفتم. از شب حادثه چیزی زیادی به یادش نبود. در پاسخ به سوال‌ها این قدر می‌دانست که در گیرودار سیلاب حسنا فقط صدای پدرش را شنید که می‌گفت «بیدار شوید خانه فرو می‌ریزد.» او می‌گوید، برادرش را دیده که سیلاب برده و از خواهرش که در آن لحظه با او بود، نمی‌داند کجاست. حسنا هنوز نمی‌داند که در این حادثه تنها او نجات یافته است.

«آواز سیل ترسناک بود»

در ۶۵ کیلومتری شمال کابل در شهر چاریکار مرکز ولایت پروان، حدود ساعت سه بعد از نصف شب درحالی‌که همگی خواب بودند، سیلاب از دامنه‌های کوهستان سرازیر شد. در یک چشم به هم‌زدن بخش‌هایی از چاریکار را درنوردید و تلّی از گِل و سنگ و خانه‌های ویران‌شده را به‌جا گذاشت.

براساس آخرین آمار در این سیلاب که در پنجاه سال گذشته بی‌پیشینه خوانده شده، ۱۶۰ نفر کشته، ۱۳۰ نفر زخمی و بیش از هزار خانه ویران شده است.

سیلاب پروان آن‌چنان غیرمترقبه و وحشتناک بود که اهالی محل می‌گویند فکر می‌کردند زلزله شده است. فهیمه، زن کاکای حسنا که از او پرستاری می‌کند و در سیل زخمی شده، می‌گوید: «آواز سیل ترسناک بود فکر کردیم زلزله شده است. عاجل از خواب بلند شدیم و اطفال را بیدار کرده سر شانه خود انداختیم که از خانه فرار کنیم. وقتی برآمدن از خانه بودیم که خانه چپه شد.» به گفته‌ی فهیمه که اکنون شب و روزش را در کنار بستر حسنا سپری می‌کند، در شب حادثه و پس از فرو ریختن خانه دیگر نمی‌داند بر سر خانواده و فرزندانش چه آمده است. می‌گوید پس از به هوش‌آمدن خود را در شفاخانه یافته و نمی‌داند که چه زمان و توسط چه کسی به شفاخانه منتقل شده است.

شبی که سیلاب هست‌وبود خانواده فهیمه را با خود برد، فقط صدای وحشتناکش را به یاد دارد که فکر می‌کرده زلزله است. او وقتی که می‌خواهد برای فرار از زلزله بیرون بدود موج‌های شدید آب وارد خانه می‌شود و با قدرت ویران‌کننده‌اش او را پس می‌زند: «وقتی برآمدن از خانه بودیم که خانه چپه شد و سیل مثل دیو داخل خانه شد و اطفال ما جیغ می‌زدند.»

> سید عبدالله احمدی، رییس شفاخانه وزیر محمداکبرخان می‌گوید: «وقتی حسنا را دیدم درون ران و پایش پر بود از گِل و ریگ. مشکلات اورتوپیدی‌اش زیاد بود. تداوی او طولانی‌مدت است. اگر ۱۰ درصد امکان جورشدنِ پایش وجود داشته باشد، آن‌را قطع نمی‌کنیم. حسنا با وجود که شریان‌ها و وریدهایش خوب است توقع داریم او را نجات بدهیم. اگر ناامید شدیم و تداوی جواب نداد ناگزیریم پایش را قطع کنیم.»

حسنای ۱۳ ساله دانش‌آموز صنف پنج مکتب است. پزشکان در شفاخانه وزیر محمداکبرخان می‌گویند، احتمال قطع‌شدنِ پای حسنا وجود دارد.

سید عبدالله احمدی، رییس شفاخانه وزیر محمداکبر خان می‌گوید: «وقتی حسنا را دیدم درون ران و پایش پر بود از گِل و ریگ. مشکلات اورتوپیدی‌اش زیاد بود. تداوی او طولانی‌مدت است. اگر ۱۰ درصد امکان جورشدنِ پایش وجود داشته باشد، آن‌را قطع نمی‌کنیم. حسنا با وجود که شریان‌ها و وریدهایش خوب است توقع داریم او را نجات بدهیم. اگر ناامید شدیم و تداوی جواب نداد ناگزیریم پایش را قطع کنیم.»

تا کنون چهاربار پای حسنا زیر تیغ عملیات رفته است. پزشکان می‌گویند، پای حسنا عفونت جدی کرده است و این خطر قطع شدن پای را بیش‌تر کرده است.

«پایم خوب شود، به دیدن پدر و مادرم می‌روم»

نزدیکان حسنا به اطلاعات روز می‌گویند حسنا بعد از یک ساعت روی آب‌ماندن توسط مردی نجات داده شده و به شفاخانه چاریکار منتقل می‌شود.

پدر حسنا در شهر چاریکار بولانی‌فروشی می‌کرده است. فهیمه، زن کاکا حسنا می‌گوید سیلاب تمام هستی آن‌ها را با خود برده است. درحالی‌که سه هفته از حادثه سیلاب پروان می‌گذرد، اما فهیمه می‌گوید تا هنوز کمکی دریافت نکرده است: «در این مدت هیچ کسی به ما کمک نکرده است. یک نفر یک جوره لباس به من داده. حالا نه خانه داریم و نه حتا لحافی برای خوابیدن و جایی برای گذراندن شب و روز. حسنا پایش به‌شدت زخمی شده است. درمان و دوای او چطور شود. اقتصاد ما آن‌قدر ضعیف است که حتا مشکل زندگی خود ما را هم حل نمی‌کند.»

از زمان سرازیرشدنِ سیلاب در پروان، تعدادی از سازمان‌های ملی و بین‌المللی و مردم با فرستادن کاروان کمک‌های غذایی و مواد بهداشتی به کمک آسیب‌دیدگان سیلاب پروان شتافته است.

ارگ ریاست‌جمهوری به وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث طبیعی دستور داد که به متضررین سیلاب پروان هرچه زودتر کمک‌های فوری صورت بگیرد. چند روز پیش همزمان با سفر اشرف غنی، واحد حمایوی و عملیاتی ریاست‌جمهوری گفت که آن‌ها ۹۰ میلیون افغانی را برای پاک‌کاری کانال‌های پروان اختصاص داده است.

اتحادیه اروپا دیروز در اعلامیه‌ای از کمک ۱۳٫۷ میلیون افغانی به سیلاب‌زده‌های پروان، کاپیسا، میدان وردک، پکتیکا و پنجشیر خبر داد.

با این‌که شاید هرگز حسنا سیلاب آن شب را فراموش نکند، اما هنوز در دل او امید زنده است: «هفت سال دیگر که درس بخوانم از مکتب فارغ می‌شوم. از زمانی که شفاخانه وزیر اکبرخان آمدم برخورد داکتران با من، مثل برادر و خواهر بوده و دوست دارم داکتر شوم و به دیگران کمک کنم.»

حسنا در شرایطی که نمی‌داند دیگر نه پدر دارد و نه مادر و سیلاب تمام هستی‌اش را از او گرفته است و از طرف دیگر معلوم نیست پایش او را یاری خواهد کرد یا نه که مثل سابق بدود، می‌گوید اولین آرزویش رفتن به دیدن مادرش است: «برای دیدن پدر و مادرم می‌روم همراه‌شان قصه می‌کنم و باز به خانه‌ی ما به چاریکار می‌رویم و خیرات می‌کنیم و درس‌هایم را شروع می‌کنم.»

ناوالنی، منتقد پوتین: پس از درمان به روسیه بازمی‌گردم

اطلاعات روز: الکسی ناوالنی، منتقد برجسته دولت ولادیمیر پوتین که به دلیل مسمومیت همچنان در بیمارستانی در برلین بستری است، با انتشار تصویری از خود نوشت می‌تواند بدون کمک دستگاه تنفس کند؛ همزمان یک مقام امنیتی آلمان به نقل از ناوالنی گفت او پس از درمان به کشورش باز می‌گردد.
به گزارش ایران اینترنشنال، ناوالنی روز سه‌شنبه ۲۵ سنبله تصویری در حالت نشسته بر روی تخت بیمارستان به همراه همسر و فرزندانش منتشر کرد و نوشت که بدون دستگاه تنفس می‌تواند نفس بکشد.
او در این مطلب اینستاگرامی نوشت: «هنوز به سختی می‌توانم کاری انجام دهم، اما دیروز توانستم تمام طول روز را خودم نفس بکشم، واقعا خودم.»
پس از گزارش آلمان، دو کشور فرانسه و سوئد نیز با بررسی نتیجه معاینات پزشکی تایید کردند که او با عامل «نووپچوک» مسموم شده است.
گازهای عصبی و گروه مواد شیمیایی موسوم به «نووپچوک» موادی از کولین‌استراز به شمار می‌روند که در سال ۲۰۱۸ میلادی هم از آن برای مسموم کردن سرگئی اسکریپال، جاسوس سابق روسی در بریتانیا، استفاده شده بود.
مقام‌های اروپایی و امریکا خواستار تحقیق شفاف در زمینه علت مسمومیت ناوالنی از سوی روسیه شدند.
متحدان ناوالنی دولت روسیه را به دست داشتن در این مسمومیت متهم می‌کنند؛ اتهامی که مسکو آن را رد می‌کند.
دیمیتری پسکوف، سخن‌گوی کرملین، گفت مسکو برای شفاف‌سازی آنچه اتفاق افتاده صریح است، اما نیاز دارد اطلاعات آلمان در زمینه پرونده ناوالنی را در دست داشته باشد.
پسکوف افزود: «مسکو نمی‌فهمد چرا اگر آزمایشگاه‌های فرانسه و سوئد توانسته‌اند نمونه‌های پزشکی او را آزمایش کنند، دسترسی یکسانی به روسیه داده نمی‌شود.»
پیش از این، مقام‌های روسیه ضمن انتقاد از برخورد آلمان درباره مسمومیت ناوالنی، اعلام کرده بودند روند تحقیق درباره این پرونده را زمانی آغاز خواهند کرد که شواهد مربوط به مسمومیت را دریافت کنند.

ناوالنی به روسیه بازمی‌گردد

روزنامه نیویورک‌تایمز به نقل از یک مقام امنیتی آلمان خبر داده ناوالنی در گفت‌وگو با یک دادستان این کشور درباره سوء قصد به جانش صحبت کرده و همچنین گفته در نظر دارد به محض بهبود در درمان به روسیه باز خواهد گشت.
سخن‌گوی کرملین در این زمینه گفت: «هر شهروند روسیه آزاد است که کشور را ترک کند و به آن باز گردد.»
او افزود: «اگر یک شهروند فدراسیون روسیه سلامتش را به دست بیاورد، قطعا همه درباره‌اش خوشحال خواهند شد.»
ناوالنی ۴۴ساله که منتقد شماره یک پوتین در روسیه به شمار می‌رود، زمانی که در یک هواپیما در حال پرواز به سوی مسکو بود به طرز مشکوکی مسموم شد.
پس از بستری ابتدایی در روسیه، او برای ادامه روند درمان به برلین منتقل شد.

ترمپ ایران را از «فکر انتقام سلیمانی» برحذر داشت

اطلاعات روز: دونالد ترمپ در توییتر به ایران هشدار داده که هر اقدامی علیه منافع این کشور را با واکنشی «هزار برابر شدیدتر» پاسخ خواهد داد. او گفته بنابر گزارش رسانه‌ها، تهران ممکن است به دنبال ترور یا برنامه‌ریزی برای ضربه وارد کردن به شهروندان یا منافع امریکا باشد.
به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، توییت دوشنبه‌شب، ۱۴ سپتامبر، رییس‌جمهوری امریکا واکنشی به گزارش نشریه پولتیکو است که در گزارشی اختصاصی مدعی شده بود ایران به دنبال هدف قراردادن سفیر امریکا در آفریقای جنوبی بوده است.
در واکنش به این سخنان علی ربیعی سخن‌گوی دولت ایران، در نشست خبری امروز خود گفته است که «هرگونه خطای راهبری امریکا، با پاسخ قاطع ایران مواجه خواهد شد».
همزمان مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا هم در پاسخ به سوالی درباره امنیت لانا مارکس، سفیر امریکا در آفریقای جنوبی، گفت که نمی‌تواند درباره این موضوع امنیتی توضیح بدهد اما به گفته او «جمهوری اسلامی ایران پیش از این همه به تلاش‌هایی برای ترور در اروپا و سایر نقاط جهان دست زده است. و امریکا این ادعاها را بسیار جدی می‌گیرد».
وزیر خارجه امریکا هم در مصاحبه خود به ایران هشدار داد: «خیلی شفاف به جمهوری اسلامی ایران می‌گوییم که هر نوع حرکتی از جمله حمله به امریکا یا هر مکانی که در آن دیپلمات‌های امریکایی، سفیر یا سایر کارمندان سفارت باشند، کاملا غیرقابل قبول است.»
دولت آفریقای جنوبی روز دوشنبه به گزارش نشریه پولتیکون واکنش نشان داد و گفت موضوع را بررسی خواهد کرد.
نشریه پولیتیکو به نقل از یک مقام امریکایی در گزارشی گفته بود که ایران در فکر ترور لانا مارکس، سفیر امریکا در آفریقای جنوبی است. براساس این گزارش حکومت ایران به دنبال راهی برای تلافی کشته‌شدن قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران است که اوایل زمستان پارسال در بغداد هدف حمله هوایی امریکا قرار گرفت.
آقای ترمپ در دو توییت پشت هم نوشته: «براساس گزارش‌های رسانه‌ها، ایران ممکن است در حال طرح‌ریزی برای یک قتل هدفمند و یا حمله به امریکا باشد تا انتقام کشتن [قاسم] سلیمانی فرمانده تروریست را بگیرد، کسی که در حال تدارک حملات آتی بود تا نیروهای امریکایی را به قتل برساند و مرگ و رنجی که طی سال‌ها به بار آورده بود. هر گونه حمله، به هر نوعی علیه ایالات متحده با حمله‌ای هزار برابر قوی تر علیه ایران مواجه خواهد شد.»

واکنش آفریقای جنوبی به گزارش‌ها از «برنامه‌ریزی» ایران برای «سوءقصد» به جان سفیر امریکا

سازمان اطلاعاتی آفریقای جنوبی به گزارش‌ها از وجود برنامه‌ای برای سوء قصد به جان لانا مارکس سفیر امریکا در این کشور واکنش نشان داده است.
این سازمان در بیانیه‌ای گفته از انتشار این گزارش‌ها در فضای عمومی آگاه است و به مردم این کشور و کشورهای دخیل اطمینان داده که در حال رسیدگی به این مسئله است. در این بیانیه اطلاعات بیشتری در این باره نیامده اما تأکید شده: «باید توجه داشت که ماهیت اتهام و تهدید مطرح شده به ما اجازه نمی‌دهد درباره تحقیقات جزئیات بیشتری بدهیم.»

سخن‌گوی وزارت خارجه ایران: پی‌گیری حقوقی ترور سلیمانی ادامه دارد

در همین حال، سعید خطیب زاده، سخن‌گوی وزارت خارجه ایران از ادامه پیگیری حقوقی پرونده قاسم سلیمانی خبر داده است.
او گفته: «جمهوری اسلامی ایران همانگونه که بارها اعلام کرده است پیگیری حقوقی بین‌المللی در ارتباط با ترور مجرمانه و بزدلانه سردار سلیمانی را در تمامی سطوح ادامه خواهد داد.»
او همچنین گفته است: «این اقدام تروریستی را نه می‌بخشد و نه فراموش می‌کند.»

پولیس پاناما یک گورجمعی دیگر مرتبط با «آیین‌های جن‌گیری» یک فرقه مذهبی پیدا کرد

اطلاعات روز: این گورجمعی جدید در نزدیکی یک گورجمعی دیگر است که ماه ژانویه در این منطقه دورافتاده کشف شد و طی آن جسد ۷ نفر یعنی یک زن باردار و ۵ فرزند او و یک نوجوان از زیر خاک بیرون آورده شد.
به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، پولیس پاناما که تحقیقاتی در این باره آغاز کرده معتقد است بقایای اجساد گورجمعی جدید متعلق به افرادی است که توسط رهبران و اعضای یک فرقه مذهبی که در میان جنگل‌های دورافتاده این کشور زندگی می‌کنند، کشته شده‌اند.
بازرسان جنایی در حال نظارت بر کاوش‌ها و استخراج اسکلت‌ها از این گور واقع در منطقه نگابه بوگله در شمال-غربی پاناما هستند.
ماه ژانویه گذشته هم یک گورجمعی دیگر در نزدیکی همین محل کشف شد.
به نظر می‌رسد این گورها متعلق به قربانیان آزار و شکنجه و مراسم خشن جن‌گیری یک فرقه مذهبی در این منطقه باشد.
دادستان عمومی پاناما، آزیل توگری گفته بازرسان جنایی برای دستیابی به این گور حدود ۱۰ ساعت از ارتفاعات منطقه بالا رفته‌اند.
گورجمعی کشف شده در ۳۵۰ کیلومتری پایتخت، پاناما سیتی، است.
دادستان کل پاناما گفته در حال حاضر امکان شناسایی هویت و جنسیت اجساد پیدا شده وجود ندارد.
بقایای اجساد پیدا شده به غسالخانه‌ای در استان چرینکویی فرستاده شده تا کارشناسان پزشکی قانونی روی آنها تحقیق کنند.
چند روز پیش پولیس رهبر فرقه «نور جدید از جانب خدا» (New Light of God) توسط پولیس و در رابطه با گورجمعی کشف شده در ماه ژانویه بازداشت شد.
در آن گور جمعی یک زن باردار و ۵ فرزند او و یک نوجوان پیدا شدند. پولیس تنها پس از آن به این فرقه و محل گورجمعی یورش برد که سه نفر از ساکنان روستاهای اطراف که در چنگ اعضای این فرقه افتاده بودند موفق به فرار شدند و خود را به یک بیمارستان رساندند.
پس از آن پولیس به کلیسای صحرایی که این فرقه برپا کرده بود یورش برد و در آنجا یک زن عریان، قمه و چاقو و یک بز که معلوم بود با تشریفات مذهبی ذبح شده بود را پیدا کرد.
افرادی که جان سالم به در برده‌اند گفته‌اند این فرقه قربانیان خود را از روستاییان محلی می‌گرفته و سپس بروی آنها آیین‌های خشن جن‌گیری که شامل کتک زدن و شکنجه است انجام می‌داده است.
پولیس بعد از یورش به محل اسکان این فرقه ۱۵ نفر را که در بند آنها بودند آزاد کرد.

آسیا برای اولین بار در ۶۰ سال گذشته با رکود اقتصادی منطقه‌ای روبه‌روست

اطلاعات روز: به گفته بانک توسعه آسیایی (ای‌دی‌بی)، همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ اقتصادهای درحال توسعه کشورهای آسیایی را به سمت رکود سوق داده است.
به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، این بانک می‌گوید که این اولین بار در شش دهه گذشته است که «کشورهای درحال توسعه آسیا»، رده‌بندی که ۴۵ کشور را دربر می‌گیرد، شاهد کساد اقتصادی ناگهانی در این کشورها شده‌اند. بانک توسعه آسیایی می‌گوید اقتصادهای درحال توسعه آسیا در سال ۲۰۲۰ میلادی به میزان ۷/۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد. به گفته این بانک، ولی این منطقه بلافاصله در سال ۲۰۲۱ میلادی دوباره احیا خواهد شد و به میزان ۸/۶ درصد رشد خواهد داشت.
این بانک در برآورد قبلی خود، رشد بسیار کم ۱/۰ درصدی را برای تولید ناخالص ملی منطقه آسیا برای سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرده بود.
یاسوییوکی ساوادا، اقتصاددان ارشد بانک توسعه آسیایی، در بیانیه‌ای گفته است «اقتصاد بسیاری از کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه باید منتظر مسیر سختی برای رشد در مابقی سال ۲۰۲۰ باشند».
این ارزیابی بانک توسعه آسیایی، با برآورد مشابهی که صندوق بین‌المللی پول در اوایل سال جاری کرده بود، مطابقت می‌کند. جنوب آسیا احتمالا بدترین وضعیت را تجربه خواهد کرد؛ در حالی که چین دارد از این روند جان سالم بدر می‌برد.
اقتصاد هند انتظار می‌رود که در سال جاری، ۹ درصد کوچک شود؛ در حالی که برای چین یک رشد ۸/۱ درصدی پیش‌بینی شده است.
جنوب شرقی آسیا احتمالا شاهد کاهش اقتصادی ۸/۳ درصد خواهد بود.
اقتصاد جزایری که به صنعت جهانگردی وابسته اند، به ویژه شدیدترین رکود را شاهد بوده‌اند.
انتظار می‌رود که اقتصاد جمهوری جزایر فیجی به میزان ۵/۱۹ درصد کاهش پیدا کند؛ در حالی که این پیش‌بینی برای مالدیو ۵/۲۰ درصد است.
خبر خوب این است که این منطقه در سال آینده، با رشد ۸/۶ درصد، توان اقتصادی‌اش را بازمی‌یابد.
بانک توسعه آسیایی می‌گوید که اقتصاد چین در سال ۲۰۲۱ به میزان ۷/۷ درصد رشد می‌کند؛ در حالی که این رقم رشد برای هند در سال آینده هشت درصد خواهد بود. اما این بانک هشدار می‌دهد که همه‌گیری طولانی مدت و اقدامات محدودکننده برای کنترل آن، می‌تواند در مسیر احیای اقتصادی خلل ایجاد کند.
آقای ساوادا گفته است «تهدیدی که از طرف همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ متوجه اقتصاد است همچنان پابرجاست، تداوم موج اول بیماری و یا شیوع مجدد آن می‌تواند به اقدامات محدودکننده بیشتری برای کنترل آن بیانجامد».

ثبت نام جریان دارد
ACCA و FIA
100 % بورسیه بانک جهانی
توسط وزارت مالیه (MoF) و اداره محاسبین مسلکی افغانستان (CPA)
CBA
+93 202 502 968
1st Apartment, 2nd Floor, Karte-e 4 Center, Karte-e 4, Kabul Afghanistan
www.cba.edu.af
انجمن حسابداران مسلکی یا (ACCA) یک دوره‌ی آموزشی حسابداری معتبر بین‌المللی برگزار میکند که دارای زمینهی کاری خوبی در افغانستان است. در حال حاضر (ACCA) در بیش از 180 کشور دنیا فعالیت دارد که افغانستان هم یکی از ان کشورها است. بانک جهانی با همکاری وزارت مالیه و انجمن حسابداران مسلکی افغانستان بورسیه های تحصیلی را برای علاقهمندان این دورهی تحصیلی فراهم میکند که شامل هزینه‌ی کامل ثبت‌نام، فیس، هزینه‌ی اشتراک سالانه و امتحان است.
این یک فرصت خوب برای فارغان مکاتب، دانشجویان و فارغان دانشگاه‌ها است که علاقهمند کار در زمینه‌ی حسابداری باشند.

چلسی مرز ۲۰۰۰ امتیاز را در لیگ برتر رد کرد

پیروزی آبی پوشان برابر برایتون باعث شد تا این تیم مرز ۲۰۰۰ امتیاز در تاریخ لیگ برتر را رد کند.
به نقل از ساکرنت، چلسی در هفته نخست لیگ برتر به دیدار برایتون رفت و توانست با نتیجه ۳ بر یک این تیم را شکست دهد تا همانند آرسنال و لیورپول، فصل جدید لیگ برتر را با پیروزی شروع کند.
چلسی با کسب ۳ امتیاز این دیدار توانست جمع امتیازات خود را در تاریخ لیگ برتر به عدد ۲۰۰۰ برساند تا بعد از منچستریونایتد و آرسنال در رده سوم بیشترین امتیازهای کسب شده در بین تیم های لیگ جزیره قرار گیرد.
مقام اول امتیازات در تاریخ لیگ برتر در اختیار منچستر یونایتد است که توانسته است ۲۲۳۴ امتیاز به دست بیاورد و فاصله خوبی با بقیه تیم ها ایجاد کند. در رده دوم آرسنال است که ۲۰۱۴ امتیاز به دست آورده است و اکنون چلسی با ۲۰۰۰ امتیاز در رده سوم قرار دارد. در فصل جدید ، لیورپول با ۱۹۵۱ می تواند از مرز دو هزار امتیاز عبور کند و تاتنهام با ۱۶۵۴ امتیاز در مکان ۵ قرار دارد.

لیورپول رقم فروش مهاجم بلجیمی خود را اعلام کرد

باشگاه لیورپول اعلام کرد در صورت دریافت ۱۴ میلیون پوند، دیوک اورپگی را در اختیار تیم دیگر قرار می‌دهد.
به نقل از ساکرنت، در حالی که دیوک اورپگی نقش مهمی در قهرمانی لیورپول در لیگ قهرمانان اروپا در سال ۲۰۱۹ داشت، بازیکن بلجیمی همچنان به عنوان یکی از اعضای نیمکت نشین تیم یورگن کلوپ باقی مانده است.
هر چند یورگن کلوپ تمایل خود را به حفظ این بازیکن اعلام کرده ولی نارضایتی اورپگی و تمایل باشگاه لیورپول باعث شده است این بازیکن به فکر رفتن از آنفیلد باشد. بر این اساس باشگاه لیورپول ۱۴ میلیون پوند روی اورپگی قیمت گذاشته و اعلام کرده هر تیمی که خواهان به خدمت گرفتن این بازیکن است باید چنین مبلغی را به باشگاه لیورپول پرداخت کند.
فنرباغچه در حال حاضر از استون ویلا، نیوکاسل یونایتد، برایتون و فولام در رقابت برای امضای این بازیکن پیشی گرفته است و احتمال دارد این بازیکن راهی ترکیه شود.
نقل و انتقالات تابستانی فوتبال در اروپا همچنان ادامه دارد. این در حالی است که رقابت های باشگاهی در فوتبال اروپا شروع شده و لیورپول در گام نخست با نتیجه ۴ بر ۳ لیدزیونایتد را شکست داد.

پس از یووه فقط می توان برای بارسا بازی کرد

مسی بی نظیر است؛
گلم به رئال را فراموش نمی‌کنم

میرالم پیانیچ از اینکه در بارسا هم تیمی لیونل مسی شده در پوست خود نمی گنجد.
میرالم پیانیچ چندی پیش با قراردادی به ارزش ۶۰ میلیون یورو از یوونتوس به بارسلونا پیوست. به جای او آرتور ملو بود که راهی یوونتوس شد. پیانیچ که به دلیل ابتلا به کرونا دو هفته در قرنطینه بود، از چند روز پیش به تمرینات بارسا اضافه شد و دیروز به صورت رسمی مراسم معارفه او به انجام رسید.

پیانیچ در نشستی خبری و در مورد پیوستن به بارسا گفت:« بازی در بارسا و حضور در نوکمپ همیشه باعث غرور است. از کودکی رویای چنین روزی را داشتم و باید بگویم که عضوی از باشگاه بارسلونا بودن، خارق العاده است. معتقدم حالا در بهترین باشگاه دنیا حضور دارم. مقاطع مهمی را در دوران فوتبالم پشت سر گذاشته ام و حالا در لحظه ای تاریخی هستم. وارد باشگاه بارسلونا که می شوید، تحت تاثیر افتخارات و تاریخ آن قرار می گیرید. مشاهده تمام جوایز و جام های باشگاه برایم هیجان انگیز بود. اکنون بازیکن بارسا هستم و اطمینان دارم که می توانم کمک بزرگی برای باشگاه باشم. امیدوارم خیلی زود خودم را با سبک بازی تیم که از نظرم باورنکردنی است، وفق بدهم.»

ترک یوونتوس:« جدایی از باشگاه بزرگی مثل یوونتوس بسیار سخت بود. با داشتن یک کادر مدیریتی قوی، جدایی از یووه برایم کار راحتی نبود ولی نیاز به یک چالش جدید داشتم. پس از فتح همه جام های داخلی با یوونتوس، می خواستم فضایی متفاوت را تجربه کنم. پس از یوونتوس تنها می توان بارسا را برای ادامه فوتبال انتخاب کرد.»

شکست ۸-۲ بارسا از بایرن:« بازی را دیدم و باید بگویم از این اتفاقات تنها یک بار رخ می دهد و بارسا باید نگاهش رو به جلو باشد. معتقدم همه تیم حالا انگیزه بیشتری برای جبران دارد. بارسا همیشه تیمی بزرگ بوده و دوباره بزرگی خواهد کرد. هر باشگاهی می تواند دچار مشکل شود. من هم در دوران فوتبالم شکست های سنگینی را تجربه کرده ام و هر تیمی ممکن است یک شب بد داشته باشد. باید آن بازی را فراموش کرده و به فصل پیش رو فکر کنیم.»

گلزنی در بازی برگشت یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان ۰۹-۲۰۰۸ به رئال با پیراهن لیون و حذف کهکشانی ها در برنابئو:« قطعا روزی به یادماندنی برایم بود و آن گل را هرگز فراموش نخواهم کرد. گلی بسیار مهم برای خودم و تیم بود. هنوز خیلی جوان بودم و بازی برابر تیمی بزرگ و قدرتمند مثل رئال و در ورزشگاهی به بزرگی برنابئو، برایم فوق العاده هیجان انگیز بود. حالا رئال برایم حریفی جدی تر خواهد بود. در حال حاضر فقط بارسا برایم اهمیت دارد و البته برای رئال و اتلتیکو نیز احترام قائلم.»

احتمال جدایی مسی در تابستان:« ابتدا باید بگویم که هم تیمی شدن با مسی مثل یک رویاست و افتخار می کنم که با او در یک تیم حضور دارم. اخبار مربوط به جدایی مسی را از بیرون و از طریق رسانه ها پیگیری می کردم ولی اعتقاد نداشتم که لئو در نهایت بارسا را ترک نخواهد کرد. او در باشگاه تاریخچه ای باورنکردنی دارد و این داستان باید به بهترین شکلش به پایان برسد. لئو یک قهرمان بزرگ است و یک پیروز واقعی. او پس از شکست از بایرن ناامید شده بود و این طبیعی است. فعلا مسی را شاد و خوشحال می بینم و معتقدم او بهترین بازیکن تاریخ فوتبال است. خوشحالم که لئو ماند و می توانیم روی او حساب کنیم. برای تیم مهم است که مسی خوشحال باشد چون اگر او شرایطش خوب باشد، بارسا هم سود خواهد برد.»

خبرکوتاه

واسکس در رئال مادرید می ماند

بازیکن اسپانیایی تصمیم گرفته است در رئال مادرید بماند.
به نقل از آس، لوکاس واسکس در رئال مادرید می ماند. بازیکن ۲۹ ساله نمی خواهد به پیشنهاد وسوسه انگیز قطری ها فکر کند و قصد دارد تا پایان قراردادش در اسپانیا بماند. نه رئال مادرید می خواهد واسکس را بفروشد و نه زین الدین زیدان دوست دارد این بازیکن را از دست بدهد.
واسکس که بازیکن مهمی در تیم سرمربی فرانسوی محسوب می شود مادریدی ها را با تصمیمش خوشحال کرد. او مسائل ورزشی را به مسائل مالی ترجیح داد.
بازیکن اسپانیایی می داند که می تواند چهار سال دیگر در بالاترین سطح رقابت ها بازی کند و ترجیح می دهد در مادرید بماند و رویای راضی کردن باشگاه را برای تمدید قرارداد در سر دارد. اگر این اتفاق رخ نداد در سال ۲۰۲۱ می تواند به صورت بازیکن آزاد به هر تیمی که می خواهد برود.

لائوتارو در اینتر می ماند

مهاجم آرجانتینی قصد ندارد اینتر را ترک کند و پیراهن تیم دیگری را بر تن کند.
به نقل از موندو دپورتیوو، بن یاکه، مدیر برنامه لائوتارو مارتینس اعلام کرد مهاجم آرجانتینی در فصل پیش رو همچنان با پیراهن اینتر به میدان خواهد رفت. او در یک مصاحبه گفت: لائوتارو در اینتر است. ما با رئال مادرید صحبت نکرده ایم. هیچ مذاکره ای نبوده است. با مدیریت رابطه خیلی خوبی داریم. لائوتارد در فصل جدید در اینتر خواهد ماند.
از طرفی گاتزتا دلو اسپورت خبر از تمدید قرارداد احتمالی بازیکن آرجانتینی داد. قرارداد مهاجم ۲۳ ساله سی ام جون ۲۰۲۳ به پایان می رسد. دستمزد سالیانه لائوتارو افزایش خواهد یافت اما بند آزاد سازی اش بالا نخواهد بود تا بتواند به راحتی به تیم دیگری بپیوندد.
بارسلونا پیش از این به دنبال امضای قرارداد با لائوتارو بود اما اکنون دیگر نباید به این بازیکن فکر کند.

دافغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دکرهنی، اوبولګولواو مالیاری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری ومالداری
برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/SNaPP2/31042020/NCB
برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2 وزارت زراعت ، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی تهیه وخریداری ۲۰۰ متریک تن خوراکه حیوانی برای ولایات ننگرهار، هرات ، و بلخ را مطابق به مشخصات ارایه شده درشرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) بطور رایگان از آمریت تدارکات پروژه SNAPP2 ویا از ویب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) وهم چنان معلومات متذکره را میتوانند از ویب سایت وزارت زراعت، آبیاری ومالداری (www.mail.gov.af) و ویب سایت اکبر بدست آورده ، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته ازتاریخ نشراعلان الی ۱۳۹۹/۰۷/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به آمریت تدارکات پروژه زراعت و مالداری به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداری تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمیباشد.
جلسه آفر گشایی پروژه متذکره بتاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه SNAPP2 واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت ،آبیاری و مالداری دایر میگردد.
تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۲۰۰,۰۰۰.۰۰) دوصد هزارافغانی میباشد.

هر روز روزنامه اطلاعات‌روز را پشت در منزل‌تان دریافت کنید

	برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		Subscribe to Daily Etilaat Roz	
قیمت: ۲۰ افغانی	شش‌ماهه	٤٠٠٠ افغانی	6 Months	120$ USD
	یک‌ساله	۷۰۰۰ افغانی	Annual	200$ USD

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

اطلاعات روز

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
• سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶ • سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
• مترجم: جلیل پژواک • ویراستار: شیر مهریار • صفحه آرا: رضا مظفری
• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ – ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ – ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

چهارشنبه | ۲۶ سنبله ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۱۹۸۳
Wednesday | 16 September 2020 | Year 09 | Print 1983

کارپنتر شهید | داستان

«صبح یا چاشت بخیر. من ابلیس بودم. ملا محمداحسان شهید را خدا بیامرزد. این قصر از این پس متعلق به توست. به این شماره زنگ بزن؛ شماره‌ی تلفن حاجی میرشاه در پل باغ عمومی است. دکان رخت‌فروشی دارد. از این آب‌های نجس که شب خوردی دارد. زن حلال هم جور می‌کند. زیر تخت سه هزار دالر برایت گذاشته‌ام».

سخیداد هاتف
طنزنویس

محافظ با شتاب وارد حجره‌ی ملا عبدالرحیم آخوند شد. ملا عبدالرحیم آخوند با عصبانیت گفت:
«چند بار گفتم که بدون تق تق وارد اتاق ما نشو».
محافظ گفت:
«بخشش می‌خواهم. کسی پیش حویلی آمده و می‌خواهد شما را ببیند».
ملا گفت:
«بگو، کدام وقت دیگر بیاید. امروز جمعه است. من یک ساعت بعد به نماز می‌روم».
محافظ گفت:
«گفتم شما وقت ندارید. ولی او گفت کارپنتر».
ملا عبدالرحیم آخوند باورش نشد. پرسید:
«چه گفت؟»
– گفت کارپنتر.
ملا عبدالرحیم آخوند تسبیح خود را بین سجاده گذاشت، سجاده را چهار قات کرد، از جای خود بلند شد و به دنبال محافظ خود از در بیرون آمد. در حویلی باز با تأکید به محافظ خود گفت که آیا واقعا کارپنتر را درست شنیده یا نه. درست شنیده بود. دروازه‌ی حویلی را که باز کردند، ملا عبدالرحیم آخوند نزدیک بود از خوشحالی سکته کند. ملا محمداحسان کنار تویوتای خاکستری خود منتظر ملا عبدالرحیم آخوند ایستاده بود. ملا محمداحسان پیش آمد و ملا عبدالرحیم آخوند را در آغوش گرفت. قطرات اشک از هر دو طرف گونه‌های لطیف ملا عبدالرحیم لغزیدند و میان ریش انبوهش رفتند.
ملا عبدالرحیم آخوند گفت:
«الحمدلله، الحمدلله، الحمدلله. بیایید داخل. موتروان را هم بگو بیاید».
ملا محمداحسان گفت:
«نه نه، من آمده‌ام که ترا به خانه‌ی خود ببرم».
ملا عبدالرحیم آخوند گفت:
«بیا اول یک چای بخوریم، به نماز جمعه برویم، نان چاشت را بخوریم، باز گپ می‌زنیم».
– نه، تو با من بیا. من با تو کاری بسیار ضرور دارم.
– خیریت است؟
– خیر و خیریت است. برو بوتت را بپوش. نان چاشت و شام را در خانه‌ی من می‌خوریم. به بادیگاردت بگو... فامیلت هم این‌جاست؟ به فامیلت بگو...نه، به فامیلت نگو، تنها به بادیگاردت بگو.
– عیالم نیست.
– خوب، به بادیگاردت بگو که شب پیش من می‌مانی و فردا پس می‌آیی.
– بدون بادیگارد بیایم؟
– بلی، نترس. هیچ چیز نمی‌شود.
***
بعد از غذای شام، ملا عبدالرحیم آخوند به یکی از قندیل‌های نیلی‌رنگ سقف خیره شده بود. هرچه فکر می‌کرد که ملا محمداحسان قصری به این شکوه و زیبایی را چگونه در کابل خریده است، فکرش به جایی نمی‌رسید. ولی معما فقط این نبود. هفت سال پیش خود ملا عبدالرحیم آخوند در تشییع جنازه‌ی ملا محمداحسان شرکت کرده بود و حتا جسد او را در قبر گذاشته بود. ملا محمداحسان توسط نیروهای دولتی کمین خورده بود و شهید شده بود. بعد از صلح دولت با مخالفان، یاران ملا محمداحسان مقبره‌ی متشخصی برای او ساخته بودند و چندین بار در تلویزیون ملی برنامه‌ی بزرگداشت او را پخش کرده بودند. ملا عبدالرحیم آخوند سه سوال داشت:
دوم، پس آن کسی که در کمین نیروهای دولتی شهید شده بود کی بود؟ سوم، ملا محمداحسان از کجا به چنان دارایی حیرت‌آور رسیده است؟ اول،... ولی ملا عبدالرحیم آخوند مردد بود که سوال اول را هم بپرسد یا نه.
پس از سکوتی طولانی، پیاله‌ی چای را بر میزک شیشه‌ای کوچک پیش روی خود گذاشت و گفت:
«خوب، ملا محمداحسان برادر، این سبزه‌های داخل حویلی عجیب بودند. من در هیچ جا این قسم چمن مقبول ندیده بودم...»
ملا محمداحسان خندید و گفت:
«ساده استی ملا صاحب. چمن مصنوعی است. در کابل این قسم چمن کی جور می‌شود؟ آن هم در این فصل سال. تو هیچ علف سبز در این ملک می‌بینی؟»
ملا عبدالرحیم آخوند به ساعت دیجیتال روی دیوار که قاب نقره‌ای داشت و در صفحه‌ی بنفش تاریکش عددِ آبی ۹:۱۷ می‌درخشید نگاه کرد.
ملا محمداحسان گفت:
«خوابت آمده؟»
ملا عبدالرحیم آخوند گفت:
«نه،... ساعت خیلی خوبش است. من یک سوال دارم...»
ملا محمداحسان قاه قاه خندید و گفت:
«سوالت این است که من هفت سال پیش کشته شده بودم یا نه».
– بلی. همین است.
– جوابش پیش رویت نشسته. اگر کشته شده بودم، حالی من و تو این‌جا ننشسته بودیم.
– ولی من خودم در آخرین لحظه که ترا در قبر گذاشتیم، چهره‌ات را دیدم.
– در این صورت، من کشته شده‌ام. هههههههه.
– ریشخندی نکن، برای من این سوال جدی است.
– درست، ولی تو که جواب مرا قبول نداری. من پیش رویت نشسته‌ام و تو می‌گویی من هفت سال پیش جنازه‌ات را دیدم.
– پس آن کس که کشته شد کی بود؟
– نمی‌دانم. ولی من نبودم. ملا متقی و مولوی نصیرالدین و ملا رحمت و ملا عبدالباقی به زور مرا وادار کردند که مخفی شوم تا آن‌ها بتوانند بگویند که من کشته شده‌ام.
– ولی من ترا با همین قیافه در قبر گذاشتم...
– والله من که زنده‌ام و همین حالا پیش رویت نشسته‌ام. تو قبول نکن.
ملا عبدالرحیم آخوند لحظه‌ای به فکر فرو رفت. در سی سال آشنایی‌شان، هیچ وقت از ملا محمداحسان دروغی نشنیده بود. در آن سال‌ها که هر دو در پیشاور پاکستان به کورس انگلیسی می‌رفتند و محمداحسان به خاطر تلفظ بسیار غلیظ کلمه‌ی Carpenter به احسان کارپنتر معروف شده بود، همین محمداحسان به راستگویی و درست‌کاری هم مشهور بود. حتما آن کشته کس دیگری بوده...
با لحنی ملامت‌گرانه به ملا محمداحسان گفت:
– امروز نه نماز ظهر را خواندیم، نه نماز عصر را ، نه نماز مغرب را و نه نماز خفتن را.
ملا محمداحسان لنگی بزرگ سیاه خود را از سر خود برداشت؛ بعد مثل این که بخواهد عرض دهان خود را اندازه بگیرد با انگشت اشاره و شصت خود هر دو گوشه‌ی سبیل‌های نازک خود را نوازش کرد و از زیر پیشانی خود به ملا عبدالرحیم آخوند نگاه کرد.
گفت:
«ملا صاحب، خودت را تکلیف نکن. نخواندیم دیگر. نشد. ولی به سوال‌هایت جواب می‌دهم. به سوال دومت جواب دادم. واقعا نمی‌دانم آن کس که کشته شد کی بود. سوال سومت این است که این دارایی را از کجا پیدا کرده‌ام. جوابش ساده است. خدا داده. ولی سوال اولت...»
– تو خبر داری سوال اول من چیست؟
– بلی. من از همه چیز آگاه استم. می‌پرسی که آن بوتل که سر میز دیدی چیست؟ درست است؟
– بلی، من نمی‌خواستم بپرسم. ولی ...
– آن بوتل ویسکی است. از خارج برایم آورده‌اند. نامش John Crow است. من از بس خوشش دارم آن را کرو جان می‌گویم. جان است جان.
– ویسکی چیست؟
– ویسکی... ویسکی چیز است... باش من بیارمش...
– مشروب که نیست.
– هست. می‌دانی که مشروب است. اگر نمی‌دانی هم بدان که از همان مشروب‌هایی است که خداوند عظیم‌الشان در بهشت وعده‌ی‌شان را به ما داده است.
– من نمی‌خورم.
– می‌خوری. در کتاب الاعراف سعیدالدین زنجانی خواندیم که...یادت هست؟ یکجا خواندیم که در شریعت بابی است به نام منفله. منفله یعنی جایی که گناه حریقیه سر گناه غافله انداخته می‌شود و باعث طهارت قلبی مومن می‌شود. چهار نمازت فوت شد، یک پیاله جان کرو بخور که پاک شوی.
ملا عبدالرحیم آخوند پیاله ویسکی کرو جان را مثل آب سرکشید. دومی‌اش را با طمانینه‌ی بیش‌تر نوشید. گفت که مشروب سر او هیچ تأثیر ندارد. ملا محمداحسان تماشا می‌کرد. ملا عبدالرحیم آخوند اول لبخند می‌زد. بعد شروع کرد به سخنرانی. او می گفت و ملا محمداحسان از خنده می‌مرد. او دستک می‌زد و قندیل‌ها را به طریق ایمان دعوت می‌کرد و ملا محمداحسان از خنده بی‌هوش می‌شد. ملا عبدالرحیم آخوند یک دانه نخود نمکی را از بشقاب برداشته بود و در خطابه‌ای آتشین نقل می‌کرد که حضرت موسی کلیم‌الله با یک نخود لشکر فرعون را در بادغیس شکست داد. هرچه ملا محمداحسان می‌گفت صبر کن، ملا عبدالرحیم آخوند با حرارت بیش‌تر نطق می‌کرد. عرق از نوک دماغش می‌چکید. سوگند یاد می‌کرد که تا کنون افغانستان رییس‌جمهوری به خوبی حفیظ‌الله امین نداشته. تکرار می‌کرد که «جنت‌ها جایش، جنت‌ها جایش». آخر به گریه افتاد. می‌گفت می‌خواهد سر و جان و مال خود را فدای وطن کند.
***
آفتاب از لای پرده مثلث نوری باریکی بر قالین نقش کرده بود. ملا عبدالرحیم آخوند چشمان خود را باز کرد و به پهلوی راست خود چرخید. آن مثلث را بر قالین دید. سرش سنگین بود. دهانش خشک شده بود. چند ثانیه وقت گرفت تا بفهمد در کجاست. چشمش به سر آهویی خورد که بر دیواره‌ی کنار در نصب شده بود. اتاق بزرگی بود. بیش‌تر به طرف راست چرخید. نیم‌خیز شد و از جک آب روی میز کنار تخت کمی آب در پیاله ریخت. آب را نوشید و حلقش تازه شد. کنار جک و زیر موبایل خودکاغذی را دید که ملا محمداحسان برایش گذاشته بود:
«صبح یا چاشت بخیر. من ابلیس بودم. ملا محمداحسان شهید را خدا بیامرزد. این قصر از این پس متعلق به توست. به این شماره زنگ بزن؛ شماره‌ی تلفن حاجی میرشاه در پل باغ عمومی است. دکان رخت‌فروشی دارد. از این آب‌های نجس که شب خوردی دارد. زن حلال هم جور می‌کند. زیر تخت سه هزار دالر برایت گذاشته‌ام».
ملا عبدالرحیم آخوند موبایل را برداشت و به شماره‌ای که ابلیس روی کاغذ نوشته بود، زنگ زد. کسی گوشی را برداشت و گفت:
«هلو، کیستی؟ هلو! در این وقت صبح».
تلفن را قطع کرد. دراز کشید و موبایل را بر سینه‌ی خود گذاشت. دوباره موبایل را برداشت و زنگ زد.
– هلو. هلو.
– بلی. حاجی صاحب میرشاه استید؟
– بلی. شما؟
– من ملا عبدالرحیم آخوند استم.
– کاری داشتید؟
– بلی. من یک خواهش داشتم. یک آشنا نمره‌ی شما را به من داد. آیا می‌توانید امروز برای من...
– ملا صاحب، ملا صاحب، هرکس که به شما چیزی گفته، دروغ گفته. ما الحمدلله مسلمان هستیم. ما از این کارها نه کرده‌ایم و نه می‌کنیم. دست من به بیت‌الله شریف رسیده. گپ غلط به شما گفته‌اند. توطئه است.
– هلو! هلو!... قطع کرد.
ملا عبدالرحیم آخوند زیر لب گفت:
«نباید می‌گفتم ملا عبدالرحیم آخوند استم».

ملا عبدالرحیم آخوند تسبیح خود را بین سجاده گذاشت، سجاده را چهار قات کرد، از جای خود بلند شد و به دنبال محافظ خود از در بیرون آمد. در حویلی باز با تأکید به محافظ خود گفت که آیا واقعا کارپنتر را درست شنیده یا نه. درست شنیده بود. دروازه‌ی حویلی را که باز کردند، ملا عبدالرحیم آخوند نزدیک بود از خوشحالی سکته کند. ملا محمداحسان کنار تویوتای خاکستری خود منتظر ملا عبدالرحیم آخوند ایستاده بود. ملا محمداحسان پیش آمد و ملا عبدالرحیم آخوند را در آغوش گرفت. قطرات اشک از هر دو طرف گونه‌های لطیف ملا عبدالرحیم لغزیدند و میان ریش انبوهش رفتند.